

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

-- مهدی سامع
mehdi_samee@yahoo.com

۲۱ سال از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، روزی که صدها هزار تن زنان و مردان آزادیخواه کشور ما برای مقابله با گسترش سرکوب و اختناق دست به یک تظاهرات مسالمت‌آمیز زدند، می‌گذرد. این تظاهرات توده‌ای که به دعوت سازمان مجاهدین خلق ایران صورت گرفت به دستور خمینی جلالد وحشیانه سرکوب شد و بدین ترتیب جنبش رهائیبخش میهن ما وارد مرحله‌ای جدید شد. سرکوب وحشیانه تظاهرات ۳۰ خرداد و اعدامهای گسترده پس از آن نشان داد که رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما مبارزه مسالمت‌آمیز با جهت‌گیری دموکراتیک و آزادیخواه را بر نمی‌تابد. بدین لحاظ ۳۰ خرداد به یک نقطه عطف در جنبش دموکراتیک و ترقیخواه کشور ما تبدیل شد و از بطن آن جنبش مسلحانه انقلابی برای سرنگونی ارتجاع حاکم و تحقق صلح و آزادی فرا روئید.
بقیه در صفحه ۲

طرح «ممنوعیت شکنجه»،
قانونی کردن شکنجه

«حقوق بشر رنگ، نژاد، مذهب نمی‌شناسد. شکنجه رنگ، نژاد و پوست نمی‌شناسد. شکنجه خودی و غیر خودی یعنی قانونی کردن شکنجه. شکنجه در هر نوع آن محکوم است. شکنجه‌گران، فرمان‌دهندگان و پاسدارندگان دستگاه سرکوب و شکنجه باید در دادگاه جنایت علیه بشریت محکوم شوند.»
در صفحه ۵

بیکاری و طرح ضربتی اشتغال
در صفحه ۸

سرمقاله

انزوای اجتماعی

چپ و راست ممتاز در فرانسه

-- منصور امان
همانگونه که انتظار می‌رفت انتخابات مجلس ملی فرانسه با پیروزی راست میانه به رهبری نوکلیستها همراه بود. پیش از این و هنگامی که لئونید ژوسپین، کاندیدای حزب حاکم سوسیالیست از راه یافتن به دور دوم رقابت بر سر پست ریاست جمهوری باز ماند، چرخش هژمونی سیاسی در این کشور اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. این فقط آرای اندکی که به سود نخست وزیر فرانسه به صندوقها ریخته شد نبود که پایان حداثت ۵ ساله او را در چشم انداز قرار می‌داد، مهمتر از آن برگه‌هایی به شمار بقیه در صفحه ۷

اخبار اعتراضهای کارگران

و مزدبگیران

در صفحه ۳

اعتراض نویسندگان و هنرمندان،

دفاع از یک پرنسیپ

«پاسخ نویسندگان و هنرمندان ایرانی به اتحادیه اروپا بیانگر رشد و ارتقاء مبارزات مردم ایران از یک سو و از سوی دیگر توجه روزافزون به الزامات و پیش‌شرط های تقویت و پشتیبانی از آن است.»
در صفحه ۶

دستاوردهای ننگین رژیم ولایت

فقیه: کودکان خیابانی، دختران

فراری، گسترش فحشا و اعتیاد

در صفحه ۱۲

ایران نبرد شماره ۵ به زبان
انگلیسی منتشر شد

تظاهرات با شکوه هزارها

ایرانی در کپنهاگ - دانمارک

همزمان با ۳۰ خرداد

نقطه عطف جنبش رهائیبخش

مردم ایران و تاسیس

ارتش آزادیبخش ملی ایران

روز جمعه ۳۱ خرداد، هزارها ایرانی در پاسخ به فراخوان شورای ملی مقاومت در اعتراض علیه سیاست استمالت اتحادیه اروپا در مقابل رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر ایران، و در اعتراض به برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، در میدان کریستیانسبورگ (کپنهاگ) مقابل پارلمان، تظاهرات با شکوهی برگزار کردند. در این تظاهرات که همزمان با گرامیداشت ۳۰ خرداد، نقطه عطف جنبش رهائیبخش مردم ایران، تاسیس ارتش آزادیبخش ملی ایران و همزمان با اجلاس سران اتحادیه اروپا برگزار شد، تعدادی از اعضای شورای ملی مقاومت و پارلمانت‌های کشورهای اروپایی سخنرانی کردند. فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این تظاهرات با محکوم کردن اقدام اتحادیه اروپا در تروریست نامیدن سازمان مجاهدین خلق ایران و با شعار «سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه، نابود باد امپریالیسم و ارتجاع، زنده باد استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم، شرکت داشتند.»

کمیسیون زنان شورای ملی

مقاومت خواستار اعزام هیأت

بین‌المللی به ایران برای بررسی

موج جدید جنایات ملایان

علیه زنان شد

در صفحه ۱۱

به یاد رفیق ارنستو چه گوارا

در صفحه ۱۶

بیانیه اعتراضی

هنرمندان، نویسندگان و

شاعران ایرانی، در محکومیت

موضع اتحادیه اروپا علیه

سازمان

مجاهدین خلق ایران

«ما از حقوق دموکراتیک

برای مبارزه دفاع می‌کنیم»

در صفحه ۲

محیط زیست

اندیشه‌ها و چشم‌اندازها

«اگر در اقتصاد و سبک زندگی تمدن شهری راهکارها و طرحهای اکولوژیک در دستور قرار نگیرد و تحولی مثبت در اندیشه و عمل دولتها و ملتها پیدا نشود، باری، عواقب وخیم به هم خوردن تعادلهای اکولوژیک در زیست‌بومهای بزرگ ابی کره ارض، دامن کل بشریت و دیگر موجودات زنده را خواهد گرفت.»

در صفحه ۹

زنان و مسیر رهایی

در صفحه ۱۰

صدور حکم تازیانه شرعی

برای ۶ زن در تهران

در صفحه ۲

کاهش دادن ظرفیت پذیرش

دختران در رشته علوم پزشکی

در صفحه ۲۰

گزارش سازمان عفو بین‌الملل در

مورد نقض حقوق بشر در ایران

در صفحه ۱۳

مبارزه با تروریسم، ابزاری

برای سرکوب در دست دولتها

در صفحه ۱۷

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

در آغاز بیست و دومین سالگرد تظاهرات توده‌ای ۳۰ خرداد، یاد تمامی زنان و مردانی که ملی این سالها در مبارزه غنیه ارتجاع و برای تحقق خواسته‌های دیرین مردم ایران یعنی دموکراسی، عدالت و جدای دین از حکومت مبارزه کردند را گرامی می‌داریم و راه آنان را تا تحقق این خواسته‌های برحق ادامه می‌دهیم و تردیدی نخواهیم داشت که استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما به دست توانای زنان و مردان ایران زمین سرنگون خواهد شد.

+++

بحران و بن بست که رژیم ولایت فقیه دچار آن است، آن چنان آشکار است که حتی طرفداران پر و پا قرص رژیم نیز هر روز بارها به این بحران و بن بست و چالشهای ناشی از آن تاکید می‌کنند و به مسئولان رژیم در مورد انفجار جامعه هشدار می‌دهند. وقتی نتایج انتخابات مجلس ششم ارتجاع معلوم شد، دوم خردادها همراه با فرصت‌طلبان، نان به نرخ روز خوروا، تسلیم طلبان و فرومایگان دنیای سیاست در داخل و خارج از کشور همراه با مأموران سرویسهای استعماری در رسانه‌های جمعی، آن چنان بد مستی و عریبه کنشی به راه انداختند که گویی فتح مجلس ارتجاع آغازگر دگرگونیهای بزرگ برای ایرانیان خواهد بود. این عوامفریبی و دغلکاری که مرشدان، مریدان، کارگزاران و ابضا دلقکها و ملیجکهای ایرانی و غیر ایرانی آن را پیشرفت اصلاحات نام‌گذاری کردند، خیلی زود با واقعیتهای سرسخت جامعه ما رنگ باخت. در همان زمان ما اعلام کردیم که مجلس ششم نه نهادی برای پیشرفت اصلاحات، که مکانی برای تشدید روزافزون تضادهاست و نهادی سترون شده است. در همان حال ما تاکید کردیم که گرچه این مجلس به طور خاص و کل جریان دوم خرداد نمی‌تواند گامی در جهت اصلاح رژیم و رفهرم در آن بردارد، جناح حاکم و بر محور آن ولی فقیه نیز نمی‌تواند آب رفته را به جوی بازگرداند. در آن زمان کسانی بودند که سخت به

مجلس ارتجاع و دولت خاتمی دل بسته بودند و نیز کسانی هم بودند که با هر یورش جناح ولی فقیه حیر از وقوع کودتای قریب‌الوقوع و یا بازگشت به شرایط قبل از دوم خرداد را می‌دادند. اما واقعیت امروزی، یعنی پس از گذشت دو سال از عمر مجلس ارتجاع و ۵ سال از عمر دولت خاتمی، صحت نظراتی که ما در مورد بحران و بن بست رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه می‌گفتیم را ثابت می‌کند. امروز از میان دلستانگان به خاتمی، تعداد کسانی که از بن بست و بحران کل رژیم صحبت می‌کنند بسیار بیشتر از کسانی است هنوز به توهم پیشرفت اصلاحات دامن می‌زنند. ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی که بازگشت غیر عادی او به ایران سؤالهای زیادی ایجاد کرده و در بعضی محافل سیاسی در داخل و خارج از کشور او را حامل «پیام» مهم می‌دانند طی مصاحبه‌ای که در شماره ۲۰ خرداد روزنامه آزاد چاپ شده می‌گوید: «ما اکنون با شرایطی روباروئیم که از آن تنها می‌توان تحت عنوان انسداد سیاسی نام برد. این شرایط دو ویژگی اساسی دارد. اول این که گروههای سیاسی مختلف در برخورد با سایر گروههای سیاسی، هیچ یک نتوانستند دیگری را از صحنه خارج کنند و دیگر این که معادله موازنه قدرت در گروههای سیاسی به گونه‌ای است که اگر گروهی بخواهد دیگر گروهها را از صحنه خارج کند و توان آن را هم داشته باشد، حذف رقیب، معادل حذف خودش نیز هست.»

واقعیتهای سرسخت جامعه ما آن گونه است که اکنون ابراهیم یزدی مجبور به اعتراف به آن شده است. البته ابراهیم یزدی برای خروج حکومت از «انسداد سیاسی» هنوز به دنبال راه‌حلهای پوچ و مسخره‌ای چون «وفاق ملی» که ساخته و پرداخته تئورسینهای بیت رهبری است می‌باشد. آن چه خامنه‌ای و جناح حاکم به قلم امیر محیبیان از «وفاق ملی» مطرح کرده‌اند چیزی جز بیعت مجدد و حقیرانه با رهبری و ولی فقیه نیست. ممکن است ابراهیم یزدی برای چنین عملی امدادگی داشته باشد، اما واقعیتهای عینی جامعه ما به گونه‌ایست که هر ترفندی که بخواهد استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما را نجات دهد به سرعت نقش بر آب می‌شود.

هنرمندان، نویسندگان و شاعران موضع‌گیری اتحادیه اروپا علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را محکوم کردند

ما از حقوق دموکراتیک برای مبارزه دفاع می‌کنیم

آزاداندیشان،

اتحادیه اروپا در پی گسترش روابط اقتصادی خود با رژیم جمهوری اسلامی ایران، با گنجانیدن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در فهرست سازمانهای تروریستی، تن به معامله بی‌خفت‌بیار داده است. معامله‌یی که نه تنها دستاوردهای مترقی و دموکراتیک مردم اروپا را در همسنگی با مبارزات آزادخواهانه خلقهای دیگر کشورها علیه دیکتاتوری و اختناق بی اعتبار می‌کند، بلکه نشان بارزی از عدم پایبندی دولتهای اتحادیه اروپا، به تعهدات انسانی و قانونی خود نسبت به مفاد اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر است که حق دفاع شهروندان مورد تعرض قرار گرفته را امری معقول و منطقی می‌داند. اتحادیه اروپا با نادیده گرفتن ماهیت تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، حقوق دموکراتیک و قانونی سازمان مجاهدین خلق ایران، برای مبارزه علیه چنین رژیمی را نقی می‌کند.

به باور ما، این اقدام اتحادیه اروپا، از یک سو کمک به تداوم حیات رژیمی است که علاوه بر هزاران اعدامی و زندانی، داشتن صدها شکنجه‌گاه در گوشه و کنار کشور، تعقیب و دستگیری و سرکوب دگراندیشان، راکورددار به بند کشیدن روزنامه نگاران در سراسر جهان نیز می‌باشد، و از سوی دیگر انجام چنین عملی از جانب این اتحادیه مفهوم دیگری جز با پذیرش سیاست ارتجاعی، ضد فرهنگی و سرکوب گرانه رژیم، و مشروعیت بخشیدن به این نوع جنایات علیه بشریت ندارد.

قطعا نه تنها هموطنان ستم‌دیده ما، بلکه دیگر انسانهای آگاه و با وجدان کشورهای اتحادیه اروپا نیز، تسلیم چنین بند و بستهای خفت‌باری نشده و اجازه نخواهند داد تا اتحادیه اروپا در جهت تامین منافع امپریالیستی و غارت منابع میهنمان، به بهانه مبارزه با تروریسم مانع تلاشها و مبارزات نیروها و انسانهای عدالت‌خواه کشورمان علیه رژیم جمهوری اسلامی بشود.

ما همراه با تمامی انسانهای آزادیخواه، اقدام اتحادیه اروپا را به شدت محکوم می‌کنیم و خواهان حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران، از فهرست سازمانهای تروریستی هستیم. ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۱ (۲۰ مه ۲۰۰۲)

جواد اذرمهر (نقاش)، یاور استوار (شاعر)، مینا اسدی (شاعر)، جواد اسدیان (شاعر)، فرزاد ادیبی (متقد قلم - روزنامه نگار)، حسین افصحی (کارگردان تئاتر - بازیگر)، نیلوفر بیضایی (نمایشنامه‌نویس - کارگردان تئاتر)، فرامرز جهانگیر (نقاش)، ایرج جنتی عطایی (ترانه‌سرا - نمایشنامه‌نویس)، بهروز حشمت (مجسمه ساز)، اسماعیل خوبی (شاعر)، پروانه سلطانی (کارگردان تئاتر - بازیگر)، بهرام رحمانی (نویسنده - روزنامه نگار)، داریوش نیروانی (سینماگر - آهنگساز)، پرویز صیاد (سینماگر - کارگردان تئاتر)، شهریار دادور (شاعر)، علی فیاض (نویسنده - روزنامه نگار)، سلیمان قاسمیان (شاعر)، علی آینه (شاعر)، جمشید کریمی (نقاش)، رحیم کریمی (عکاس)، نازی کریمی (نقاش)، حجت کسرائیان (نقاش)، فرهاد مجدآبادی (نمایشنامه‌نویس - کارگردان تئاتر)، ژیلما مسائد (شاعر)، سیروس ملکوتی (آهنگساز)، سعید منافی (سینماگر)، اسفندیار منفردزاده (آهنگساز)، حسین ملائکه (روزنامه نگار)، حسین مهنی (سینماگر - عکاس)، بصیر نصیبی (سینماگر - پژوهشگر سینما)، احمد نیک آذر (سینماگر - کارگردان تئاتر)، هادی خرسندی (طنزپرداز)، اردلان سرفراز (شاعر - ترانه‌سرا)، رضا دقتی (عکاس)، ابراهیم مکی (نمایشنامه‌نویس - کارگردان تئاتر)، جواد دادستان (سینماگر)، کمال حسینی (بازیگر)، علی کامرانی (ترانه‌سرا - بازیگر) و گیسو شاکری (آواز خوان)

صدر حکم تازیانه شرعی برای شش زن در تهران

روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی در شماره امروز خود از صدور حکم ۷۰ تا ۱۷۵ ضربه شلاق تحت عنوان تازیانه شرعی - علاوه بر حبس، تبعید و جزای نقدی - برای شش زن به نامهای فهیمه، مریم، رقی گل، خ، نسربین، ص، اکرم الف و زهرا م. خبر داد/ اتهام این زنان فحشا و به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره ای ذکر شده است.

صدر احکام وحشیانه علیه این زنان از سوی مجتمع قضایی مطهری در یافت آباد تهران در حالی است که همین مجتمع قضایی به شدت می‌کوشد هويت سه تن از مقامات قوه قضاییه رژیم آخوندی - از جمله دو قاضی

صادرکننده احکام اعدام و مجازاتهای وحشیانه به نامهای حسینی و کریمی - را که اخیرا در میان گردانندگان یک شبکه

گسترده فحشا در تهران شناسایی شده اند، مخفی نگه دارد. صادقی رییس مجتمع قضایی مطهری اخیرا با اعلام محاکمه

اعضای یک شبکه گسترده فساد که در تهران فعالیت می‌کردند، گفته بود: در میان آنها ۳ تن از مسئولان کشور قرار دارند. (خبرگزاری ایسنا، ۵ خرداد ۸۱)

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت عموم مراجع و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر و به ویژه سازمانهای مدافع حقوق زنان را به محکوم کردن اعدام و احکام وحشیانه علیه زنان در ایران فرا می‌خواند.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران ۲۰ خرداد ۱۳۸۱

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

اعتراض کارگران

جهان چیت کرج

۲۸ اردیبهشت: کارگران معترض جهان چیت کرج خیابان اصلی این شهرستان را بستند. این کارگران که بیش از ۴ ماه حقوق دریافت نکرده اند، ظرف هفته گذشته چندین بار اقدام به بستن خیابان های اصلی کرج کرده اند این شرکت وابسته به بنیاد مستضعفان است و ۱۴۰۰ کارگر در آن شاغل هستند. جهان چیت کرج که سالیان سال در دو شیفت کاری فعال بوده، اینک به دلیل مشکل کمبود نقدینگی، دچار مشکلات عدیده ای شده است. این شرکت در سال ۷۵ یک هزار تن از کارگران را تعدیل کرد. کارگران معترض جهان چیت کرج می گویند، ۷۰ درصد ماشین آلات آماده برای تولید هستند، اما به دلیل مشکلات نقدینگی، دستگاهها اینک خاک می خورند. اعتراض کارگران در شرایطی است که هیچ یک از مدیران شرکت در محل کارخانه حضور ندارند و پاسخگوی کارگران نیستند. کارگران می گویند، تعدی در کار است تا شرکت در حالت رکود باشد و فعالیتی صورت نگیرد، در حالی که ما آماده کار هستیم و ماشین آلات سالم هستند، چرا نباید تولید انجام شود.

تجمع کارگران تعاونیهای نان

روزنامه همشهری: ۳۱ اردیبهشت - کارگران تعاونیهای نان صبح دیروز با تجمع در مقابل سازمان غله کشور نسبت به قطع شدن سهمیه آرد این مجموعه در دو ماه گذشته اعتراض کردند.

تجمع کارگران اجرایی

شهرداری

روزنامه رسالت: ۳۱ اردیبهشت - نماینده این کارگران اجرایی در باره علت اعتراض این کارگران گفته است ۲۰۰ نفر از کارگران در سال ۷۴ به دستور کرباسچی و به طور غیر قانونی از محل کار خود اخراج شدند و طی این مدت به ۱۵ مرکز و ارگان شکایت کرده ایم اما هنوز بلا تکلیفیم. نماینده کارگران گفت: این تعداد کارگران رسمی و در استخدام شهرداری بوده و شهردار وقت تهران با زور و تهدید آنان را اخراج کرده است.

اعتصاب و درگیری کارگران

کفش ملی با نیروهای سرکوبگر

دبیرخانه شورای ملی مقاومت: ۲ خرداد - در پی چند روز اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه کفش ملی، وزارت اطلاعات رژیم آخوندی تعدادی از کارگران زحمتکش را تحت عنوان ارتباط با مجاهدین دستگیر کرده است. صدها تن از کارگران این کارخانه طی روزهای دوشنبه و سه شنبه این هفته (۳۰ و ۳۱ اردیبهشت) در اعتراض علیه سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم آخوندی دست از کار کشیدند و جاده قدیم تهران-کرج را مسدود کردند. دیروز و امروز نیز کارگران به اعتصاب و برگزاری تجمع اعتراضی در بیرون کارخانه ادامه دادند. مزدوران سرکوبگر نیروی انتظامی بعد از یورش به کارگران و سرکوب وحشیانه آنان طی روزهای اخیر، هم اکنون کارخانه را به محاصره در آورده اند. جو نظامی ایجاد شده توسط نیروهای سرکوبگر به حدی است که روزنامه حکومتی کار و کارگر در شماره امروز خود نوشت: نیروی انتظامی چنان به آرایش نیرو پرداخته و به گونه ای محوطه اطراف گروه صنعتی ملی را محاصره کرده است که گویی گروهی کماندوی نظامی اسرائیلی در این منطقه قصد تحرک نظامی دارند.

همین روزنامه در خبر دیگری در شماره امروز خود نوشت: روز گذشته یکی از کارگران یکی از شرکتهایی که ماههاست حقوق دریافت نکرده اند به جرم توزیع تراکتهای اعتراض آمیز در سطح واحدهای صنفی شرق تهران دستگیر شد.

تجمع کارگران جامکو در مقابل

وزارت صنایع و معادن

۵ خرداد روزنامه رسالت: - کارگران شرکت جامکو به دلیل عدم دریافت بیش از ۱۶ ماه حقوق مقابل وزارت صنایع و معادن تجمع کردند. تجمع کنندگان با نصب پلاکاردهایی بر روی دیوار وزارت صنایع و معادن خواستار روشن شدن وضعیت خود و دریافت حقوق معوقه شوند. محمد عبدالی عضو شورای اسلامی کار این شرکت گفت، بیش از ۳۰۰ کارگر شرکت جامکو به دلیل سیاستهای غلط مسئولان در

اقتصادی کشور گفت، کدام یک از مسئولان می توانند ۱۶ ماه حقوق بگیرند و فریادشان بلند نشود. وی افزود: به دلیل مشکلات مالی لوازم خانه خود را فروختیم تا بتوانیم حداقل زندگی خود را فراهم کنیم. سید مسعود ایرانداد با ۱۷ سال سابقه کار در شرکت جامکو نیز ضمن بیان مشکلات خود به خبرنگار ما گفت، ۱۶ ماه است که با قرض گرفتن از فامیل و غیر فامیل زندگی می کنیم. وی افزود، مسئولانی که هنگام واگذاری شرکت جامکو به شخصی نالایق اصرار می ورزیدند. امروز کجا هستند تا مشکلات بیش از ۳۰۰ خانواده این شرکت را ببینند.

تجمع اعتراضی ۶۰۰۰ کارگر

در غرب تهران و گسترش

اعتصابها و اعتراضات

۶ خرداد دبیرخانه شورای ملی مقاومت: - از صبح امروز کلیه کارگران ۱۳ شرکت تولیدی وابسته به گروه صنعتی ملی در تهران دست به اعتصاب زده اند و حدود عهزار نفر از آنان هم اکنون در مقابل مجتمع صنعتی مزبور تجمع کرده اند. در واکنش به تجمع اعتراضی کارگران، رژیم آخوندی یگانهای متعددی از نیروی انتظامی و یگان ویژه ضدشورش را به محل گسیل داشته است تا کارگران را متفرق کند و مانع مسدود کردن جاده ترانزیتی کرج-تهران توسط آنان بشوند. ماموران وزارت اطلاعات به کمک حراست گروه صنعتی ملی که رییس آن مزدوری به نام مقدسیان می باشد، تلاش می کنند گردانندگان اعتصاب و تظاهرات در میان کارگران را شناسایی و آنان را دستگیر کنند. علیرغم دستگیری شماری از کارگران طی هفته گذشته، اعتصاب و اعتراض کارگران همچنان ادامه داشته است.

تجمع اعتراض آمیز کارگران در

برابر ریاست جمهوری

۷ خرداد روزنامه رسالت: - تجمع اعتراض آمیز کارگران شرکت جامکو در برابر ساختمان ریاست جمهوری برگزار شد. روز گذشته حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت جامکو در خیابان یاستور اجتماع کرده و خواستار رفع مشکلات معیشتی و عدم رعایت حقوق خود شدند. کارگران تجمع کننده پلاکاردی با خود حمل می کردند که روی آن نوشته بود کارگران شرکت جامکو ۱۶ ماه است حقوق دریافت نکرده اند.

واگذاری شرکت به یک فرد غیر متخصص در بلا تکلیفی و شرایط نامطلوب به سر می برند. وی افزود: شرکت جامکو توسط دولت به شخصی واگذار شد که به هیچ وجه صلاحیت چنین مسئولیتی را نداشت. عبداللهی گفت، یک سال بعد از واگذاری شرکت، صاحب آن با فروش پارچه های وارداتی و اختلاس در آن محکوم به زندان شد. وی افزود: بعد از آزادی مالک شرکت، مسئولان مجدداً با وجود متخلف شناخته شدن آن مسئولیت ۳۰۰ نفر کارگر را به او سپردند. عبداللهی در ادامه با بیان این که صاحب شرکت به هیچ وجه صلاحیت اداره آن را ندارد گفت، کارگران جامکو به جاهای مختلف از جمله نمایندگان مجلس، وزارت صنایع و معادن، وزارت کار و دفتر ریاست جمهوری مراجعه کردند اما مشکلشان حل نشد. فاطمه استواری نیز از دیگر کارگران اجتماع کننده جلوی درب وزارت صنایع بود که با خبرنگار ما گفتگو کرد. وی که ۲۵ سال سابقه کار در این شرکت را دارد به خبرنگار ما گفت، حدود ۱۶ ماه است که حقوق نگرفتیم، به جاهایی که مراجعه کردیم مشکل ما را حل نکردند. خانم استواری بی توجهی مسئولان در واگذاری شرکت به اشخاص غیر متخصص و نالایق را عامل عمده مشکل جامکو عنوان کرد و اظهار داشت، اگر از ابتدا دقت لازم در این زمینه صورت می گرفت امروز با چنین مشکلاتی مواجه نبودیم. وی گفت، مسئولان چگونه جواب ۳۰۰ خانواده این شرکت که بیش از ۱۶ ماه است حقوق نگرفته را خواهند داد. خانواده هایی که در تامین حداقل های زندگی دستشان جلوی دیگران دراز شده و به هرکسی برای تامین آن رومی زنند. وی افزود، شرکت جامکو به دلیل بدهی ده میلیارد ریالی خود به بیمه چند سالی است که حق بیمه هیچ یک از کارکنان را پرداخت نمی کند. استواری گفت، مسئولان اجرایی تنها وعده و وعید می دهند اما از غمیل هیچ خبری نیست. وی اظهار داشت، مسئولان اجرایی نمی دانند صاحب خانه ما را به دلیل ندادن چند ماه اجاره خانه جواب کرده و بچه هایمان با مشکلات فراوان سر کلاس درس حاضر می شوند. حسینی از دیگر کارگران این شرکت با سابقه ۲۰ ساله است وی نیز با انتقاد شدید از برخی تصمیم گیران

تحصن کارگران شرکت بافت آزادی

۷ خرداد روزنامه رسالت: کارگران شرکت بافت آزادی و خانواده هایشان در اعتراض به نامه شورای تأمین استان تهران و به منظور بازگرداندن سهام به کارگران از سه شنبه هفته گذشته در این شرکت دست به تحصن زدند. آنان روز یکشنبه نامه شورای تأمین استان تهران برای جلوگیری از حضور مجدد کارگران اخراجی را خلاف قانون دانستند. نماینده کارگران در بخش سهام کارگری این شرکت گفت: در سال ۷۸ برای دفاع از حقوق کارگران و آزادسازی سهام شرکت اقدام به برپایی شورای کارگران با تصویب دبیرکل خانه کارگر و وزارت کار کردیم. یونس شریف افزود: پس از مدتی شورای کارگران بدون هیچ دلیلی توسط اداره کل کار و امور اجتماعی منحل شد و اعضای شورا و ۴۰۰ نفر از کارگران توسط هیأت مدیره اخراج شدند. وی اظهار داشت: بنا به پیگیریهای کارگران این مشکل در شورای تأمین استان تهران مطرح شد، ولی این شورا بدون هیچ توضیحی حکم اخراج کارگران را تأیید کرد.

بیکار شدن ۴ هزار کارگر گیلانی
۴ خرداد روزنامه کاروکارگر: - نماینده کارگران واحدهای گیلان در جمع نمایندگان کارگری این استان با اشاره به معضل تعطیلی کارخانه ها و بیکاری کارگران گفت: متأسفانه شاهد تعطیلی واحدهای بزرگی چون الکتریک ایران رشت، پوشش، کاشی و فرش گیلان هستیم که با تعطیلی این کارخانه ها ۴ هزار نفر بیکار می شوند.

یعقوبی دلیل تعطیلی این واحدها را تغییر ساختار، زیر نظر شورای عالی کار عنوان کرد. مسئول شورای اسلامی کار اداره راه سازی بهشتی هم از اخراج کارگران با سابقه و قدیمی (۱۲ تا ۲۰ سال) این شرکت خبر داد. یکی از نمایندگان کارگران شرکت کان جویان البرز هم از قطع ارسال زغال سنگ معدن البرز غربی به ذوب آهن اصفهان خبر داد و گفت: این موضوع موجب نگرانی بیش از یک هزار کارگر شده است. این مقام کارگری تصریح کرد: مسئولان شرکت کان جویان با عنوان کردن مشکلات، از پرداخت حقوق اسفندماه کلیه پرسنل خودداری کرده و با گذشت ۲ ماه از سال ۸۱ هیچ مبلغی به عنوان مساعده به کارگران پرداخت

نشده است. همچنین به علت عدم پرداخت حق بیمه، تأمین اجتماعی بیش از ۵ ماه است که دفترچه های درمانی کارگران معدن سنگرود را تمدید اعتبار نمی کند.

تعطیلی هشتاد کارخانه چای در گیلان

۷ خرداد تلویزیون رژیم - بیش از هشتاد کارخانه دار چای در استان گیلان کارخانه های خود را تعطیل کردند. هم اکنون ۸۴ کارخانه از ۱۴۱ کارخانه فعال چای در گیلان به روی چای کاران بسته شده است و کارخانه داران برگ سبز چای را نمی خرند. صاحبان کارخانه ها می گویند: به علت بدهی زیاد به بانکها و ناتوانی در دریافت وام جدید قادر به ادامه کار نیستند و تا زمان دسترسی به مطالبات خود کارخانه های چای سازی شان تعطیل خواهد بود. رئیس سازمان چای کشور هم اعلام کرد: از ۹۸ کارخانه چای سازی معرفی شده به بانک برای گرفتن تسهیلات خرید برگ سبز چای فقط شش کارخانه موفق به دریافت وام شدند. سهیلی افزود: با وجود این که بانک پرداخت تسهیلات را منوط به خرید برگ سبز چای کشاورزان کرده و صاحبان کارخانه های خریدار چای به بانک معرفی شده اند بانک عامل از پرداخت وام خودداری می کند.

کارگران فولاد گستران سپاهان اعتصاب کردند

۱۵ خرداد خبرگزاری ایسنا: کارگران کارخانه فولاد گستران سپاهان روز دوشنبه با دست کشیدن از کار، خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. این کارگران اظهار می دارند که حقوق چهار ماه خود را دریافت نکرده اند. بنا بر این گزارش شورای اسلامی کار کارخانه فولاد گستران سپاهان از مسئولان خانه کارگر اصفهان درخواست کرده است که با حضور خود در این کارخانه این اعتصاب را پایان دهند و کارگران را به ادامه کار تشویق کنند.

اعتراض کارگران راه آهن لرستان

۱۸ خرداد - روزنامه حیات نو: عدم اجرای قوانین در مورد کارگران راه آهن لرستان موجب نارضایتی آنان شده است. محمد دامنش رئیس شورای اسلامی کار راه آهن لرستان با اعلام این مطلب گفت: کارگران نسبت به

عدم اجرای ماده ۲ قانون جذب نیروی انسانی در نقاط محروم و جنگی و جنگ زده مصوب شهریور ماه سال ۷۳ هیأت وزیران معترض بوده و در عین حال موجبات نارضایتی آنها شده است. وی خاطر نشان کرد: تاکنون مسایل و مشکلاتمان را با دفاتر روسای جمهوری، مجلس، کمیسیون های اجتماعی مجلس، کانون شوراهای کارگری و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح کرده ایم، ولی تا به حال هیچ نتیجه ای نگرفته ایم.

تجمع اعتراض آمیز کارکنان لوله سازی خوزستان در مقابل استانداری

۲۳ خرداد: روزنامه مردمسالاری - به دنبال عدم پرداخت به موقع حقوق کارکنان لوله سازی خوزستان از اسفند ماه سال گذشته تا کنون، آنان صبح دیروز با تجمع در مقابل استانداری خوزستان خواستار رفع این مشکل شدند.

این کارکنان با توجه به تجمع چندی قبل و عدم حل مشکلات این کارخانه یادآور شدند که از اسفندماه سال گذشته حقوق دریافت نکرده و طرح طبقه بندی نیز در این کارخانه به اجرا در نیامده است. شایان ذکر است مشکلات این کارخانه موجب شده که آینده شغلی کارکنان به مخاطره افتاده و خطر ورشکستگی این کارخانه را تهدید می کند.

تعداد بیکاران کشور تا دو سال دیگر به ۵ میلیون نفر می رسد

۲۶ خرداد - روزنامه همشهری: هشدار وزیر اقتصاد از وضعیت نگران کننده بازار کار: اگر ایجاد اشتغال در کشور با همین روند پیش برود در سال ۸۳ حدود ۵ میلیون بیکار خواهیم داشت که در این بین نزدیک به سه میلیون نفر آنها برای چندسال متوالی بیکار خواهند بود. وزیر امور اقتصادی و دارایی در نشست معاونان و مدیران ارشد این وزارتخانه با اعلام این مطلب گفت: بحث اشتغال در حال حاضر هم از لحاظ ابعاد وسیعتر و هم به لحاظ اهمیتش ملموستر شده و جزو یکی از جدیترین بحثهای دولت است. بیش از این نمی توان در تصمیمات اساسی برای حل این مساله کندی به خرج داد و صبر کرد. طهماسب مظاهری افزود: تصویر امروز ما این است، هم اکنون نزدیک به ۳،۲ میلیون بیکار در

کشور وجود دارد. این آمار، کسانی را که بیکار شناخته نمی شوند ولی در عین حال کار مفیدی هم انجام نمی دهند شامل نمی شود. وزیر اقتصاد گفت: براساس آمار وزارت کار و امور اجتماعی ۷۰ درصد بیکاران ثبت نام کرده در این وزارتخانه بیش از ۲ سال دوران بیکاری داشته اند.

تجمع کارکنان مخابرات سراسر کشور

۲۷ خرداد - روزنامه سیاست روز: حدود هزار نفر از کارکنان ادارات مخابرات کشور در اعتراض به مشکلات استخدامی خود دیروز در جلو مجلس اجتماع کردند. به گزارش خبرنگار پارلمانی سیاست روز این افراد به نحوه باز خرید و اخراج خود از شرکت مخابرات معترض بودند. کیانی خود را نماینده کارگران معرفی کرد در این باره گفت: ما را با وعده و وعید مجبور به باز خرید کردند.

وی افزود: آنها می گفتند ما کارها را می خواهیم دست پیمانکاران بسپاریم و اینک مجبوریم شما را باز خرید کنیم که البته بعد از باز خرید و شروع کار پیمانکاران شما را دوباره مشغول به کار خواهیم کرد اما بعد از باز خرید هرگز خبری نشد که نشد.

وی تصریح کرد: مسئولان وقت تهدید می کردند که اگر باز خرید نشوید بعد از آن پیمانکاران موظف به استخدام شما نیستند و با این ترفند باز خرید ۱۲۵ روز را ۴۵ روز پرداخت کردند، شایان ذکر است که این تجمع از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۴ ادامه داشت و در نهایت با پر کردن فرم هایی از جانب اجتماع کنندگان در رابطه با مشکلات آنها پایان یافت.

مقام اول در مهاجرت نخبگان ایران

۲۸ خرداد: روزنامه جام جم: طبق آمار ارائه شده از سوی صندوق بین المللی پول، ایران مقام اول را در پدیده فرار مغزها در میان ۶۱ کشور در حال توسعه جهان به خود اختصاص داده است. هم چنین براساس آمارهای رسمی ارائه شده سالانه دویست هزار نفر به عنوان مختلف متقاضی مهاجرت از ایران به خارج از کشور هستند.

طرح «ممنوعیت شکنجه»، قانونی کردن شکنجه

زینت میرهاشمی

zinat_mirhashemi@yahoo.com

با این طرح دو هدف را دنبال می‌کند. یکی در مقابل افکار عمومی خارج از ایران و نهادهای حقوق بشری غیر ایرانی، وانمود می‌کند که این جناح از رژیم چهره‌های ملایم و طرفدار دموکراسی و جناح دیگر مانع اصلی تحقق یافتن راه کارهای آن است، دیگر این که از سرکوب طرفداران خود از طرف جناح مقابل، در شکل قانونی جلوگیری کند. به همین دلیل این طرح بعد سیاسی و جناحی پیدا می‌کند و نه دفاع از حقوق مردم. زیرا که اگر رفتار با زندانیان سیاسی را کنار بگذاریم، در این طرح در مورد مجازات‌هایی که در برابر زندانیان با جرایم غیر سیاسی انجام می‌شود و شکل شکنجه و آزار و اذیت دارد، هیچ موضعی گرفته نشده است. شورای نگهبان در ۱۸ خرداد این طرح را خلاف شرع و با ذکر مواردی خلاف قانون اساسی دانسته و نپذیرفت. در این مدت بحث‌های گوناگون حول این طرح بین موافقان این طرح و مدافعان شورای نگهبان صورت گرفته است. موسی قربانی عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارتجاع در دفاع از نظرات شورای نگهبان در مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان می‌گوید: «در طرح مجلس همه موارد و مصادیق شکنجه مطرح نشده است و این شورا به علت این که طرح مجلس تمام موارد شکنجه را شامل نمی‌شود، آن را رد کرده است... طرح چنین مباحثی با این شدت و حدت این شائبه را ایجاد می‌کند که مسایلی مثل شکنجه وجود خارجی دارد که ما می‌خواهیم آن را از بین ببریم. بنابراین، این طرح مورد سوء استفاده‌های مجامع حقوق بشری قرار خواهد گرفت.» (اسنا ۲۱ خرداد)

۲۳ سال از «حکومت ولایت فقیه، با کارنامه‌های «درخشان»، شامل اعدام قتل عام بیش از ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی، شکنجه و تجاوز به زندانیان سیاسی، سوزاندن بدن، حلق‌آویز کردن، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام (به عقد مزدوران در آوردن) دزدیدن، قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی، و... محکومیت‌های سالانه در مجامع و نهادهای حقوق بشری، می‌گذرد. بنا به قانون جزایی رژیم که بر پایه شرع بنا نهاده شده، حتا مجازات‌ها و تنبیه‌هایی که به متهم تعلق می‌گیرد در نوع خود شکنجه‌ای وحشیانه محسوب می‌شود. سنگسار، قصاص، قطع دست و پا، درآوردن چشم، تعزیر، شلاق زدن در ملاء عام، سوار بر خر کردن و دور خیابان چرخاندن، اینها مجازات‌هایی است که همچنان در این حکومت اجرا می‌شود.

گورستان‌های دسته‌جمعی، دیوارهای زندانها، بازماندگانی که هنوز داغ این جهنم آخوندی را بر زندگی دارند، همگی گواه شکنجه‌ها و جنایت‌های ضد بشری اعمال شده توسط شکنجه‌گران و مزدوران اطلاعاتی دیپوزی و امروزی را می‌دهند. در همین روزها به سالگرد قتل عام وحشیانه هزاران زندانی سیاسی نزدیک می‌شویم که به دلیل مقاومت در برابر ارتجاع با طی کردن بخشی یا تمامی محکومیت خود بدون هیچ گونه امکان دفاعی از خود توسط این رژیم سلاخی شدند. اسناد این جنایات که به نام دین و مذهب بر مردم و جوانان و زنان و کودکان میهن ما رفته است آنقدر زیاد است که هیچ وجدان بیدار بشری را چشم بستن بر آن روا نمی‌دارد. بی شک روزی این جنایتکاران و عاملان و آمران این جنایتها، باید در دادگاه جنایت علیه بشریت به محاکمه سپرده شوند.

با پشتوانه این کارنامه ننگین ۲۳ ساله، مجلس ارتجاع در ۱۸ اردیبهشت ماه سال جاری با هیاهوی همیشگی اقدام به تصویب طرح «ممنوعیت شکنجه» و مشخص کردن مصادیق شکنجه نمود. اگر با دیدگاه حقوق بشری به این طرح بنگریم و این که تصویب کنندگان آن از سازمان دهندگان این دم و دستگاه هستند، این طرح نمونه بارز ماست مالی کردن مفهوم حقوق بشر، تعریف شکنجه بر اساس شرایط روز رژیم، و تاکید بر حقوق خودیها در حیطه شکنجه است. مجلس ارتجاع

طرح «ممنوعیت شکنجه»

در طرح ممنوعیت شکنجه که در مجلس ارتجاع تصویب شده است. از مواردی نام برده شده که در حاکمیت این رژیم در زندانها جزو ساده‌ترین شکنجه و فشار به زندانیان سیاسی بوده است. این اشکال فشار که در این طرح بر شمرده شده است در مقابل آن شکنجه‌ها که به زندانیان سیاسی غیر خودی وارد شده و می‌شود، نوازش است. به نظر می‌رسد که مجلسیان با دیدار از زندانیان خودی متوجه امر شکنجه شده و اقدام به تصویب این طرح نمودند.

طرحی که مجلس ارتجاع به تصویب رسانده است بسیار ارتجاعی‌تر است از خود اصل قانون اساسی در مورد شکنجه است.

طراحان و تصویب کنندگان این طرح از ترس این که مبادا از طرف جناح مقابل به حمایت از گروه‌های غیر خودی متهم شوند به طور جدی مرزها را برای خودشان محکم کرده‌اند. این طرح علاوه بر این که به اشکال وحشیانه شکنجه که در زندانها اجرا می‌شود، اشاره‌ای نمی‌کند، بلکه با گذاشتن تصریحی در حقیقت بر افکار ارتجاعی و پوسیده و محافظه‌کارانه مصوبان این طرح صحنه می‌گذارد.

در اصل ۳۸ قانون اساسی رژیم ولایت فقیه آمده است: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

اما در تبصره ماده یک طرح «ممنوعیت شکنجه» نوشته شده است:

«در موارد ضرورت برای کشف فوری جرایم محتمل الوقوع بازجویی از متهم در جرایم ذیل با چشم بسته و در ساعات شب و همچنین ممانعت از دسترسی به نشریات خبری برای حداکثر یک هفته و

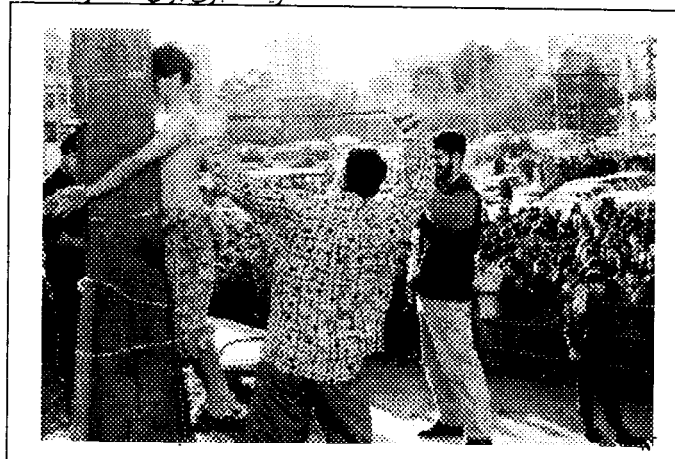
نگهداری به صورت انفرادی برای مدت ۱۵ روز با قرار رئیس شعبه دادگاه رسیدگی کننده که باید مدلل و مستند به دلایل توجیهی باشد، بلامانع است. تمدید مدت بازداشت انفرادی در صورت ضرورت با تایید دادگاه تجدید نظر فقط برای ۱۵ روز دیگر بلامانع است. فعالیت در شبکه‌های قاچاق مواد مخدر هر گونه اقدام مسلحانه گروه‌انگیزی و آدم ربایی جاسوسی به نفع بیگانگان عضویت در گروه‌های محارب در موارد ۴ و ۵ اقدامات فوق‌الذکر باید به وسیله وزارت اطلاعات تقاضا شده باشد.»

همه این تبصره در حقیقت، صحنه گذاشتن بر شکنجه است. از طرفی با این تاکید دست جلاخان و مزدوران را در جنایت بیشتر علیه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی بازتر می‌گذارد. کیست که نداند در این رژیم، هر مخالفی غیر از دایره خودیها، در شمار جاسوس و گروه‌های محارب محسوب می‌شود.

این باند دوم خردادیها از آنجایی که آزادی مطبوعات و بیان، حق فعالیت سیاسی و... همه را برای خودشان می‌خواهند، طبیعی است که تعیین و نوع فشار را هم بخواهند خودی و غیر خودی کنند. از این که بگذریم مجازات‌هایی که طبق قوانین جزایی رژیم اجرا می‌شود خود یک شکنجه است. سنگسار و قصاص، قطع دست و پا و درآوردن چشم، اینها همه مجازات‌هایی هستند که در نوع شکنجه به حساب آورده می‌شوند. در این طرح هیچ گونه اشاره‌ای به آن نمی‌شود.

ما از حقوق شهروندی همه ایرانیان دفاع می‌کنیم. دستگیری روزنامه‌نگاران و نویسندگان، همان‌هایی که ملتزم به قانون اساسی ارتجاعی این رژیم هستند را محکوم می‌کنیم و نقض حقوق آنان را نقض حقوق بشر می‌دانیم. اما اعلام می‌کنیم که این گونه طرح ریختن یک فریب است و بر اساس ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار و مجازات خشونت آمیز، غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»

حقوق بشر رنگ، نژاد، مذهب نمی‌شناسد. شکنجه رنگ، نژاد و پوست نمی‌شناسد. شکنجه خودی و غیر خودی یعنی قانونی کردن شکنجه. شکنجه در هر نوع آن محکوم است. شکنجه‌گران، فرمان‌دهندگان و پاسدارندگان دستگاه سرکوب و شکنجه باید در دادگاه جنایت علیه بشریت محکوم شوند.



اعتراض نویسندگان و هنرمندان، دفاع از یک پرنسیپ

— لیلا
usalayla@yahoo.com

واقعیت تبدیل کردن خواسته‌های عادلانه مردم، یک حق مشروع و ثبت شده در قوانین اساسی تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا که مجاهدین خلق را به دلیل همین فعالیت‌ها تروریست خوانده اند، می‌باشد. اتحادیه اروپا با نقض پرنسیپهای رسمیت یافته خود حقوق مردم ایران را نادیده گرفته است. شکل گیری و پیدایش جنبشهای آزادی خواهانه همیشه واکنشی در برابر سلب آزادی از جانب رژیمهای مستبد و غیر دمکراتیک بوده است. بی شک هنگامی که این رژیمها راه ابراز اعتراضات و بیان خواستههای مردم را با اعمال زور و آتش گلوله مسدود کرده و از شکنجه و اعدام و سرکوب کوتاهی نمی‌کنند، نارضایتی به تدریج صورت سازمان یافته به خود می‌گیرد و به مبارزه فعال بدل می‌گردد.

اتحادیه اروپا برای اطلاق صفت تروریسم از معیارهای سودجویانه و منافع مشخص سیاسی پیروی می‌کند. برای مثال و هنگامی که منافعش ایجاب می‌کند به دفاع از حقوق نقض شده مردم کویت یا افغانستان برمی‌خیزد و در مواردی همچون نمونه مورد بحث به رد همین حق اکتفا نموده بلکه به اقدام علیه آن نیز دست می‌زند. این بار این دوگانگی در برخورد به سازمان مجاهدین به وضوح به نمایش گذاشته شده است. فعالیتهای سازمان مزبور در خارج از کشور همواره در چارچوب قوانین رسمی کشورهای میزبان بوده و از این زاویه هرگز از سوی هیچ یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اقدام غیرقانونی متهم نگردیده است. از سوی دیگر و مهمتر از همه، در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هیچگاه افراد یا مراکز غیر نظامی اهداف این سازمان را تشکیل نداده اند. در صورتیکه این برای رژیم و بسیاری اعضای اتحادیه اروپا صدق نمی‌کند. در همین رابطه قوانین بین المللی به معیارهای مشخصی برای طبقه بندی تروریسم اشاره دارند، برای مثال قطعنامه شورای عالی سازمان ملل متحد مصوبه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ که در حقیقت ضمیمه ای به منظور تکمیل منشور این سازمان پس از ۱۱ سپتامبر می‌باشد از شاخصهایی سخن می‌راند که طبق آن رژیم جمهوری اسلامی تمامی شرایط اطلاق صفت تروریستی را داراست. این در حالی است که حکومت ملاها هرگز از سوی مراجع بین المللی مورد پیگرد قرار نگرفته و بر خلاف

اتحادیه اروپا با قرار دادن نام سازمان مجاهدین خلق در لیست گروههای تروریستی، هدف مشخصی که نزدیکی با جمهوری اسلامی و کسانند رژیم، در بازیهای سیاسی منطقه ای بود را در نظر داشت. این اقدام بالطبع راه را برای گسترش معاملات تجاری با رژیم نیز باز می‌کرد. با در نظر گرفتن سوابق رژیم که مشخصه بارز آن محکومیت تقریباً همه ساله آن از بدو بر سر کار آمدن به خاطر نقض حقوق بشر توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و مجمع عمومی آن است، می‌توان این برداشت را داشت که اتحادیه اروپا در پی منافع سیاسی خود، حاضر به رویارویی با مردم ایران و مقاومتی که در مقابل آن قرار دارد می‌باشد. هم اکنون با داشتن شناختی روشن از وضعیت سیاسی ایران، نمی‌توان منکر این واقعیت بود که دو جبهه ی کاملاً متمایز در پهنه سیاست ایران وجود دارد؛ از یک سو رژیم، سرکوب و سلب حقوق و آزادیهای پایه ای مردم ایران و از سوی دیگر مقاومت و مبارزه مردم برای احقاق حق خود. بدون شک سازمان مجاهدین خلق نیز- صرف نظر از اینکه تمامی و یا بخشی از سیاستها و سبک یا نوع مبارزه شان در مقابل رژیم مورد قبول همگان باشد یا نه - بخش مهمی از جبهه ی مقاومت را تشکیل می‌دهد. از این رو در مقابل همه کسانی که در این جبهه قرار گرفته اند این سوال مطرح می‌شود که آیا باید در برابر یورش دستیاران اروپایی رژیم به مقاومت و امر مبارزه با رژیم به دفاع برخیزند یا میدان را برای آنان باز بگذارند.

پاسخی که گروهی از هنرمندان و نویسندگان کشورمان با امضاء یک اطلاعیه اعتراضی به اتحادیه اروپا دادند بسیار بجا و در خور بود. آنان با دفاع از پرنسیپ حق مقاومت و فعالیت علیه رژیم، پیامی روشن و رسا را به کسانی که در داخل و خارج از ایران بر جنایات رژیم جمهوری اسلامی از جمله اعمال زور و فشار و سلب آزادیها، حبس، قتل، اعدام، شکنجه و سنگسار پرده می‌کشند، دادند. این پیام نشانه بارزی از این واقعیت است که جامعه ایرانی بیش از پیش سرنوشت مشترک خودو همبستگی ناشی از آن را باور دارد. اعتراض، فعالیت و تلاش برای به

تعهدات سازمان ملل اقدامی جهت پایان بخشیدن و توقف آن صورت نیافته است. در عوض همانگونه که شاهد هستیم دفاع از خود در مقابل تهاجم و سرکوب و اعمال تروریستی رژیم در داخل و خارج که نمونه های آن فراوانند تروریسم به شمار می‌رود. در قانون اساسی تمامی کشورهای امضاء کننده بیانیه اتحادیه اروپا نیز حق دفاع از خود محفوظ می‌باشد. ناگفته نماند که یک انگیزه اصلی برای قید این اصل چه در منشور سازمان ملل و چه در قوانین اساسی کشورهای اروپایی، از مقاومت سازمان یافته و مسلحانه در برابر فاشیسم هیتلری نشأت گرفته است. از این روست که سلب امکانات از جریاناتی که در گیر مبارزه هستند منافی حق دفاع از آزادی ست. این دو گانگی یک وظیفه عمومی را در مقابل ایرانیها قرار می‌دهد زیرا نه تنها حق شهروندان ایرانی برای فعالیت در این زمینه انکار می‌شود بلکه به طور مستقیم به استمرار وضعیت موجود در ایران نیز یاری می‌رساند.

نویسندگان و هنرمندان، پیشروان پرورش فرهنگی و وجدانی جامعه، هرگز نمی‌توانند نسبت به این بی پرنسیپی خاموش بمانند. آنان خود نخستین قشر جامعه هستند که به خاطر نوآوری، بی پروائی و نافرمانی از چهره صاحبان قدرت که با کهنه پرستی و رواج جهل و نا آگاهی در تحمیل مردم می‌کوشند پرده بر می‌دارند و مورد سانسور و پیگرد قرار می‌گیرند. این قشر همواره با برجسته کردن تضادهای گوناگون اجتماعی و سیاسی پرچم مبارزه علیه نموده‌های پیدا و نهان استبداد و نابرابری را به دوش کشیده اند. آثار ادبی و هنری بسیاری از فرهیختگان ایرانی با ایجاد شور و شوق انقلابی و تمهید سیاسی و اجتماعی، مردم و به ویژه نسل جوان را در پیش برد فرهنگ و تاریخ مبارزاتی یاری داده است و بدین صورت پرچم آزادی و حق بیان و حق مبارزه برای فرهنگ نوین در مقابل فرهنگ واپسگرا به دست آنان به اهتزاز در آمده است. در حقیقت سرچشمه بی پایان الهام برای هنرمندان متعهد همانا زندگی و مبارزه بوده است. به قول شاعر مبارز شاملو

من همدست توده ام

تا آن دم که توطئه می‌کند گسستن زنجیر را
تا آن دم که زیر لب می‌خندد
و دلش غنچ می‌زند
و به ریش جادوگر آب دهن پرتاب می‌کند...

در تاریخ جنبشهای آزادی خواهانه ایران و همچنین در دوران انقلاب بهمن ۵۷

شاهد بودیم که بسیاری از هنرمندان بر حسب تمایلات گوناگون طبقاتی در آثار خود از ترانه و سرود گرفته تا تئاتر نقاشی و فیلم، جهت گیری سیاسی کرده و در حصار هنر به صرف سرگرمی و تفریح زندانی نشدند. آنان هنر را به صحنه واکنشهای اجتماعی و مقاومت برآمده از آن پیوند دادند. پس از این دوران نیز در فواصل سالهای ۵۸ تا خرداد ۶۰، نقش هنرمندان در دفاع از آزادیهای دمکراتیک نقطه وصلی بود که طبقات گوناگون سیاسی و فرهنگی را به یکدیگر ارتباط می‌داد. یورش رژیم خمینی به روزنامه ها، کانونهای صنفی و گروه ها، تهاجمی به دست آوردهای قیام بهمن و آزادی به طور عام بود. برای مثال توقیف روزنامه ایندگان، تعقیب اعضا کانون های وکلا، نویسندگان و هجوم به دفاتر سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق به صورت یک پارچه از سوی فعالان سیاسی و فرهنگی مورد اعتراض قرار گرفت. این همبستگی نشانه روشنی از وجود یک درک روشن از پرنسیپ همه شمول حق نشر و ابراز عقیده فردی یا گروهی بود که بنا به آن دفاع از حقوق مسلم و دمکراتیک به همگرایی یا تفاوت در نظر و گرایش مشروط نمی‌شد. محکوم کنندگان اقدامات سرکوب گرانه رژیم بر حقیقی یافتاری می‌کردند که نادیده گرفتن آن حتی در یک بخش کوچک از جامعه هم نمی‌توانست بدون تاثیر بر مجموع آن باقی بماند. تلاشهای پاره سازانه حکومت اسلامی و پشتیبانانش برای "لیبرال" و ناپسند جلوه دادن آزادی های سیاسی به بهانه مبارزه ضد امپریالیستی مانع آن نشد که کازار عوام فریبانه رژیم در گرفتن آزادیها مشروعیت پیدا کند. آنان که به امر حقوق دمکراتیک مردم به مثابه یک پرنسیپ و اصل کلی و فراگیر می‌نگریستند از رخنه این دار و دسته در میانشان آگاه بودند و همچنان به دفاع از این حقوق ادامه دادند. آن دسته از هنرمندانی که امروز و در این برهه از تاریخ بار دیگر از این پرنسیپها دفاع کردند یک بار دیگر رسم خود را از آنان که با مخدوش کردن مرزها از مسولیتهای تاریخی خود سر باز میزنند، جدا کردند. برای مثال می‌توان از تور اروپائی مسعود بهنود و شمس الواعظین یاد کرد که هم اکنون بعنوان نویسندگان و روزنامه نگار سخنرانی می‌کنند در حالی که همکارانشان در ایران تحت پیگرد و سرکوب هستند و یا در خارج و در تبعید به سر می‌برند. در بقیه در صفحه ۱۶

بقیه از صفحه ۱

می رفت که علیه وی، یک قطب بندی سیاسی در جهت راست را وزن و اعتبار بخشید. بخت انتخاباتی آقای ژوسپین و حزب او در این تغییر سمتگیری زمانی خطوط روشنی یافت که ژان ماری لویین، یک پوپولیست عوامفرب، توانست بر آنها پیشی گرفته و برای نخستین بار چپ سنتی را از ورود به مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری باز دارد. و این در حالی است که "جبهه ملی" آقای لویین هرگز یک رقیب جدی سیاسی برای سوسیالیستها به حساب نیامده است. آراء غیر قابل انتظار راست افراطی مهمترین نشانه واگشت گرایش اجتماعی ای بود که ژوسپین را به قدرت رساند و اینک در یک کادر تغییر یافته چه به صورت کنار ماندن از انتخابات و چه تمایل به اردوهای دیگر، گرایش سیاسی دگرگونه ای را به نمایش می گذاشت. فرایند مزبور در تغییر دولت فرجام خویش را می جست، امری که در انتخابات اخیر مجلس عینیت یافت.

وعده های انتخاباتی ژوسپین مبنی بر کاهش بیکاری و ساعات کار که ۵ سال بیشتر از این انگیزه اصلی گرایش کارورزان به برگزیدن حزب او را تشکیل می داد، مهمترین دلایل عدم انتخاب سوسیالیستها و شرکای آنان در دولت نیز به شمار می رود. ۵۳ درصد رأی دهندگان جوان و تقریباً به همین رقم کارگران از مراکز رأی گیری فاصله گرفتند و در بسیاری از مناطق کارگری بطور متوسط از هر دو کارگر حتی یک نفر هم بر اقدامات دولت صحنه نگذاشت. افول میلیونی در پایگاههای سنتی حزب حاکم، مابه ازای تأثیراتی بود که سیاستهای آقای ژوسپین بر سطح زندگی و گذران آنها به جای گذاشته است. اگرچه ظاهراً آمار فزونی گرفته شاغلان و هم چنین تصویب ۳۵ ساعت کار به عنوان حدنصاب قانونی، به سود نخست وزیر سوسیالیست سخن می گویند اما نتایج به واقعیت گرائیده تدابیر دولت، به حق جای هیچ گونه خوش بینی در طبقات پایین جامعه را باقی نمی گذارد. فرصتهای شغلی ایجاد شده تنها با تغییر شرایط کاری به زبان شاغلان، امکان پذیر گشته است، امری که تنها ۱/۴ میلیون محل کار جدید را در برنمی گیرد. صدور مجوز برای کارفرمایان به منظور انعقاد گسترده قراردادهای مدت دار و محدود و معاف نمودن آنان از انجام تعهدات قانونی در خلال دوره

انزوای اجتماعی چپ و راست ممتاز در فرانسه

-- منصور امان

های استخدام کوتاه، تنها یک نمونه منفرد نیست. بخش بزرگی از بیکاران پیشین اکنون ناچار شده اند نیروی کار خود را زیر نرخ حداقل دستمزد و اغلب به صورت نیمه وقت به فروش برسانند و درصد مهمی از آنها نه شاغل در محل کار خود بلکه در استخدام شرکتهای دلال نیروی انسانی هستند که ملزم به رعایت قوانین مربوط به تأمین اجتماعی نیستند.

هنگامی که در ژانویه سال گذشته، دولت ائتلافی ژوسپین کاهش ساعات کار را از تصویب مجلس تحت کنترل خود گذرانید، به درستی به این اقدام از سوی کارورزان به دیده تردید و احتیاط نگریسته شد. تنها گذشت زمان اندکی لازم بود تا آنان شک خود را یقین شده بپندارند. آن چه که با هیاهوی تبلیغاتی بسیار به مثابه یک "گام تاریخی" معرفی شد و نام "قانون کاهش و تجدید سازمان کار" را بر خود نهاده بود، در حقیقت چیزی جز باز گذاشتن دست کارفرمایان برای تقسیم زمان کار به دلخواه خود و بی حقوقی بیشتر کارورزان با توجیه مدت کار کمتر نبود. بنا به قانون جدید، تنها مدت زمانی که کارگران صرفاً به تولید اشتغال دارند و تحت فرمان کارفرما هستند، جزو ساعت کار آنان محسوب می شود. به بیان دیگر کلیه اموری که به گونه غیرمستقیم به کار مربوط می شوند و اصولاً فعالیتهای هستند که از آن ناشی گشته اند، شامل زمان اختصاص یافته به کار نمی گردند. بدین ترتیب آن چه که به طور واقعی از ساعت کار حذف شده است زمانی است که به عنوان مثال روزانه برای رفت و آمد به محل کار، تعویض لباس و استراحت برای امور ضروری صرف می شود. از ساعت ناب کار حتی یک دقیقه هم کاسته نشده است.

از سوی دیگر "تجدید سازمان کار" که با تعیین سقف دو پهلوی ۳۵ ساعت کار هفتگی "به طور متوسط" تعریف شده است. به مفهوم به خدمت گرفته شدن کارگران به هر میزان و هر زمانی است، که کارفرما آنها ضروری بداند. پرداخت فوق اعاده اضافه کاری و یا حتی کار شبانه برحسب عطیه آقای ژوسپین به کارورزان، دیگر موضوعیتی نخواهد داشت. زیرا کارفرمایان اجازه یافته اند خود تعیین کنند ۳۵ ساعتی که به طور

عدم تمایل بیش از یک سوم رأی دهندگان فرانسوی به حفظ دولت یا برگزیدن دولت جدید، از چشم انداز بی آیندگی و بی اعتمادی به حکومتهایی سرچشمه می گیرد که تاکنون سرنوشت جمهوری پنجم را رقم زده اند. تفاوتهای چپ و راست ممتاز به تدریج رنگ باخته اند و همان گونه که انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نشان داد، طرد هر دو طیف حاکم بارزترین وجه مشخصه ای است که جامعه را به آنان پیوند می دهد. سوسیالیستها و نئوگلیستهای طی انتخابات در مجموع تنها یک چهارم از کل آراء را بدست آوردند. در سایه پولاریزه شدن گرایشهای سیاسی و انتخاباتی در لایه ها و طبقات اجتماع و تلاش برای گریز از مرکز، پوپولیستهایی مانند لویین اهمیت سیاسی یافته و حتی به سطح حریف اصلی در رقابتهای انتخاباتی ارتقاء می یابند.

اگرچه تهدید به عهده گرفتن نقش فعال در سیاست ملی فرانسه توسط فاشیستهای تطهیر شده را نمی توان ناچیز شمرد اما آن چه که پس از انتخابات دور نخست ریاست جمهوری با مبالغه در خطرانی که "دموکراسی" را از این جانب تهدید می کند تبلور یافت، مفهومی جز تلاش برای باقی گذاشتن قدرت در دستان اعضای "خانواده" حاکم نداشت. هنگامی که ابتدا جوانان به طور خود انگیخته و سپس میلیونها تن در شهرهای بزرگ به خیابانها آمدند، احزاب متشکل در دولت ائتلافی به سرعت کوشش کردند تا با منحرف ساختن جهت اصلی اعتراضات، آنها را سود انتخاب مجدد شیراک به کار بگیرند.

در حقیقت تراژدی جمهوری پنجم فرانسه در این نهفته است که نجات دهنده آن، آقای شیراک، سیاستمدار رشوه گیری ست که تنها به دلیل برخورداری از مصونیت سیاسی تحت پیگرد قانونی قرار ندارد. واقعیت مزبور بیان کننده وضعیتی ست که لایه ممتاز سیاسی فرانسه پس از بیست سال حکومت پیوسته، در آن به سر می برد و اینک صورت حساب آنها در هیأت یک زمین لرزه انتخاباتی دریافت می کند. فرایند انزوای آنان که با قطب بندی هرچه متمرکزتر در پایین و بالا همراه می باشد، تلاطمها و بحرانهای سیاسی - اجتماعی دیگری را به انتظار نشسته است که یقیناً دوران فرمانروایی مطلقه راست در فرانسه را چندان به کام آنها شیرین نخواهد گرداند.

یافته است.

بیکاری و طرح ضربتی اشتغال

م-حیبی

Mhabibfr2002@yahoo.com

بعد از بی نتیجه ماندن طرحهای ایجاد معاونت اشتغال و پرداخت وام خود اشتغالی، این بار اما، طرح دیگری تحت عنوان طرح ضربتی ایجاد اشتغال، با هدف ایجاد ۳۰۰ هزار شغل در سال جاری از سوی دولت «اصلاح طلب» طرح شد. عاملی که باعث شده این طرح، عنوان ضربتی را با خود یدک بکشد، نه از نگرانیهای مسئولان رژیم از وضعیت ناهنجار معیشتی حقوق بگیران در ایران؛ بلکه، در درجه اول این نگرانی ازو تهدیدات امنیتی ناشی ازو این ناهنجاریهای معیشتی است، که به بهترین وجه ازو سوی وزیر اطلاعات رژیم به عنوان یک تهدید ملی نامبرده شده است، و خاتمی نیز با اشاره به این که، «جامعه ایران از نظر اشتغال هم، اینک در نقطه بسیار حساسی ایستاده اگر دقت نکنیم با بحران مواجه خواهیم شد» به این نکته انگشت تاکید گذاشت. از سوی دیگر، این طرح باید پاسخگوی عقب ماندگیهایی باشد، که دولت در دو سال برنامه سوم توسعه اقتصادی در خصوص ایجاد اشتغال، هدفگذاری کرده بود، که در عمل به آن وفادار نماند.

محورهای عمده این طرح، در یک نشست مشترک از سوی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و رئیس کل بانک مرکزی و وزیر کار و امور اجتماعی، این گونه برجسته شده است:

- بانکها موظف شده‌اند ۹۰۰ میلیارد تومان وام به کارگاهها و واحدهای مختلف برای ایجاد اشتغال بپردازند.

- در قالب این طرح کارگاههای کوچک و متوسط، در ازای جذب یک نیروی کار که در اداره کار ثبت نام کرده باشد، مبلغ سه میلیون تومان وام یا کارمزد چهار درصدی برای مدت پنج سال دریافت خواهند کرد، و برای مدت پنج سال متعهد می‌شوند برای این نیروی کار جدید فرصت شغلی ایجاد کنند.

- مدت سه سال نیز حق بیمه کارفرما توسط دولت پرداخت خواهد شد. حقوق نیروی کاری که در قالب این طرح جذب شده نیز از مالیات معاف خواهد شد. زمانبندی این طرح به این صورت خواهد بود که ابلاغ آئیننامه ها تا پایان اردیبهشت ماه است، به مدت چهار ماه تا پایان شهریور دوره شناسایی بنگاههای

واجد شرایط و ارزیابی و ساماندهی پیش بینی شده است. در مهر و آبان دو ماه دوره آموزشهای مهارتی پیش بینی شده است و تا پایان اسفند ماه پرداختها و ورودی نیروی کار به کارگاه انجام می‌شود.

تا آن جایی که به محتوای کلی این طرح بر می‌گردد، باید گفت که این طرح حاوی نکته‌های جدیدی، که تفسیر اساسی در ارتباط با مسئله حاد بیکاری در جامعه ایران ایجاد کند، نیست. یعنی این که مشکل اساسی بیکاری در ایران مشکل کمبود طرح نیست، چرا که مفاد طرح موسوم به طرح ضربتی ایجاد اشتغال، تماما و یا با اندکی تغییر در قانون برنامه سوم توسعه لحاظ شده بود. به عنوان مثال، در ماده ۴۹ برنامه سوم اقتصادی، پیشنهاد شده، کارگاههایی که یک نفر نیروی کار جدید، علاوه بر نیروهای موجود در کارگاه به کار گمارند، از تخفیف بیمه سهم کارفرما و از معافیت مالیاتی بر حقوق نیروی کار جدید برخوردار خواهد شد. و باز براساس ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، پیشنهاد شده از منابع مالی موجود نزد سیستم بانکی، و یا بهره کم، به بیکاران جویای کار وام پرداخت شود. سقف پیشنهادی این وام یک میلیون تومان در نظر گرفته شده است. که در طرح جدید براساس اصلاحیه‌ای که از طرف وزارت کار به مجلس داده شد، سقف این وام از یک میلیون تومان به سه میلیون تومان افزایش پیدا کرد. در خصوص وام ۹۰۰ میلیارد تومانی نیز شایان یادآوری است که، براساس تبصره ۲۹ بودجه سال ۸۰ قرار براین بود که مبلغ ۴۵۰ میلیارد تومان، از طریق سیستم بانکی برای امر اشتغال در سال ۸۰ اختصاص یابد، که این مسأله به دلیل بوروکراسی و ناهماهنگیهای موجود، و یا آن گونه که عنوان می‌شود، به علت عدم ابلاغ آئیننامه آن توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی به بانکهای عامل، تا آخر اسفند ماه، یعنی تا پایان سال ۸۰ عملا محقق نشد. آن گونه که در روزنامه همشهری آمده است، همین مسأله برای سال ۸۱ نیز بوجود آمده است. به طوری که می‌بایست تا پایان اردیبهشت ۸۱، سیستم بانکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی قرار دادی به امضاء می‌رسید، که براساس آن آئیننامه مربوطه به بانکهای عامل ابلاغ می‌شد، که ظاهرا این امر صورت نکرده است. بدین ترتیب آن چه که از آن به عنوان وام ۹۰۰ میلیارد تومانی، جهت طرح

ضربتی ایجاد اشتغال صحبت می‌شود، همان تبصره ۲۹ بودجه سال ۸۰ برای اشتغال است که محقق نشد، که به سال ۸۱ منتقل شد. نظیر همین تبصره اختصاصی برای اشتغال برای بودجه سال ۸۱، در نظر گرفته شده که مجموعا رقم ۹۰۰ میلیارد تومان را شامل می‌شود، که در حقیقت رقم جدیدی به این تسهیلات مالی افزوده نشده است. تنها رقمی که در این طرح افزایش یافته هزینه بیمه کار است که، آن نیز در قانون برنامه سوم اقتصادی در نظر گرفته شده که در غالب طرح جدید به میزان ۳۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته که رقم ۱۲۰۰ میلیارد تومان را شامل می‌شود، که چندان قابل توجه نیست.

اگر تمام مشکلات موجود بر سر اجرای این طرح را حل شده تلقی کنیم، باید گفت که این طرح در بهترین حالت، ۳۰۰ هزار شغل جدید ایجاد خواهد کرد. که این امر فقط در سطح، و نه در عمق بحران حاد بیکاری تاثیر جزئی خواهد داشت. آن طور که آمار رسمی گواهی می‌دهد، سه میلیون بیکار در جامعه وجود دارد، که برای غلبه براین معضل، باید سالانه یک میلیون فرصت شغلی جدید ایجاد شود. و این در حالیکه که هدفگذاریهای برنامه سوم اقتصادی در خصوص ایجاد ۷۶۰ هزار فرصت شغلی جدید در سال محقق نشده است. بحران بیکاری موجود در جامعه آن قدر عمیق است که، تغییرات جزئی در تعداد بیکاران، از عمق این بحران نمی‌کاهد. از بطن این طرح نیز اشتغال پایدار بیرون نمی‌آید، آن گونه که مفاد این طرح سمت‌گیری کرده، جذب نیروی کار جدید، فقط نیروی کار ساده و فاقد تخصص را شامل می‌شود. در حالی که بسیاری از نیروهای متخصص و تحصیلکرده هر ساله به تعداد بیکاران افزوده می‌شود. براساس آخرین برآوردهای وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، از مجموع ۱۲۰ هزار نفر پرستار و کادر پرستاری موجود در کشور، بالغ بر ۲۴ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان بیکار هستند، و سالانه نیز بین ۵ تا ۷ هزار نفر از ۱۲۰ دانشکده پرستاری کشور فارغ‌التحصیل و به این جمع افزوده می‌شوند.

در طرح مذکور هیچ بحثی از بستر سازی برای ایجاد اشتغال پایدار به میان نیامده، عمده الویت متوجه کارگاههای تولیدی پنج نفره و یا کمتر شده که ۹۲ درصد واحدهای تولیدی را در ایران به خود اختصاص می‌دهد که طبعاً دارای

ظرفیتهای خالی نیز هستند، و تنها مزیت این نوع کارگاهها این است که نیاز به سرمایه‌گذاری مجدد ندارند. رویکرد کلی این طرح حل مقطعی این بحران است و آن هم در ابعاد بسیار ناچیز و در یک پریود زمانی محدود. نکته‌ای که در این جا وجود دارد این است که این روش اشتغال پایدار ایجاد نمی‌کند.

وقتی از بستر سازی برای ایجاد اشتغال پایدار سخن به میان می‌آید، بلافاصله مسأله سرمایه‌گذارهای تولیدی مطرح می‌شود. آن هم در ساختار اقتصاد دولتی ایران که هشتاد درصد فعالیتها را اقتصاد دولتی در اختیار دولت قرار دارد. شاخص این سرمایه‌گذارها هم خود را بودجه عمرانی هرساله نشان می‌دهد. که طی سالهای اخیر روندی نزولی به خود گرفته است. سهم هزینه‌های عمرانی ملاکی برای تشخیص میزان سرمایه‌گذاریها دولتی محسوب می‌شود، به عنوان مثال در بودجه سال ۸۱ میزان آن به قدری ناچیز است که می‌توان گفت جای آن در بودجه خالی است. در بودجه سال ۸۱، در سرفصل هزینه‌ها، ۲۲ درصد برای امور عمرانی و در مقابل ۶۱/۶ درصد برای هزینه‌های جاری در نظر گرفته شده است. لازم به یادآوری است که، براساس آمار سالهای گذشته، همین موارد مصوب هم، در عمل اجراء نمی‌شد. در همین ارتباط نگاهی می‌کنیم به ردیف هزینه‌های جاری و عمرانی در سالهای ۷۶ و ۷۷ و ۷۸.

در سال ۱۳۷۶ در ستون هزینه‌های جاری رقم مصوب ۴۵۷۶۷۷ میلیارد ریال بود که عملکرد آن معادل ۴۴۹۹۷ میلیارد شد، به عبارت دیگر ۹۸ درصد هزینه‌های جاری محقق شد. در مقابل در ستون هزینه‌های عمرانی در همین سال رقم مصوب ۳۰۳۰۰ میلیارد ریال بود که عملکرد آن ۲۰۷۳۰ میلیارد ریال بود، یعنی ۶۶ درصد بودجه در نظر گرفته محقق شد.

در سال ۱۳۷۷ در ستون هزینه‌های جاری رقم مصوب معادل ۵۷۳۰۱ میلیارد ریال بود که، ۵۲۸۱۹ میلیارد ریال عملکرد داشت. در مقابل در ستون هزینه‌های عمرانی، رقم مصوب میزان فقط ۱۷۶۵۵ میلیارد ریال، یعنی ۷۱ درصد آن محقق شد.

سال ۱۳۷۸، در ستون هزینه‌های جاری ۶۸۰۱۷/۹ میلیارد ریال تصویب شده بود که از این میزان، ۶۸۰۰۹ میلیارد ریال

محیط زیست ««««« اندیشه ها و چشم اندازها

اکولوژی و اکوسیستم (۶)

کریم قصیم

اقیانوسها، دریاها، دریاچه ها، رودها فرو می ریزند، روند گردش آب محدود می شود به بارش و بخار آب و بعد دوباره بارش. اما آن جا که نزولات طبیعی بر سطح خشکی و انبوه درختان و دشت و کوه و... می بارند، دور گردش آب حلقه های دیگر هم پیدا می کند. بخشی از آن در سطح زمین جاری می شود و چه بسا از راه رودها به دریا و دریاچه و تالاب و برکه ها بیبوند. مقداری از بارشها، چه هنگام برخورد به زمین و چه در حین جریان یافتن در آبراهها، به بخار تبدیل می شود و یا از طریق تعرق گیاهی و حیوانی به فضا باز می گردد. بخش مهمی از بارشها نیز به زمین نفوذ می کند و مسیر چند گانه ای می یابد. این بخش بارشها (طبق بررسیها حدود ۲۵ درصد) گاه به صورت چشمه و یا با حفرقنات به عنوان مظهرقنات، از جای دیگری از زمین خارج می شود و یا این که عمدتاً در اعماق به سفره های زیرزمینی آب می پیوندد. البته، قسمتی از همین آبهای زیرزمینی به ژرفای اقیانوسها و دریاها نیز راه می یابند. اقیانوسها و دریاها بیش از ۹۷ درصد آب کره ارض را در بر دارند. قسمت قابل توجهی از ذخیره آب نیز به صورت یخچالهای طبیعی و کوهها و دشتهای یخی در سرزمینهای قطبی قرار گرفته اند. دانشمندان می گویند تا زمانی که نور خورشید باشد، این چرخه و روندهای گردش آب نیز ادامه دارد. آن چه به لحاظ زیستی خیلی با اهمیت است این واقعیت که

مجموعه منابع آب کره زمین رویهم رفته مقدار ثابتی است. اگر در اثر خشکسالیها و تخریب غیرقابل بازگشت از حجم سالانه آن کم نشود در بهترین حالت چیزی به آن اضافه نمی شود، درحالی که جمعیت انسانی و مصرف کننده آب، و نیز مقدار مصرف سرانه، همچنین درجه آلودگی و تخریب آب در قرنهای اخیر تدریجاً، و به خصوص در قرن بیستم سریعاً و اکنون متأسفانه به صورت تصاعدی، رو به افزایش بوده است. شاید این پرسش که اصولاً چه ابی آلوده به حساب می آید هنوز برای بعضی خوانندگان روشن نباشد. پاسخ ساده است. آلودگی آب حاصل افزوده شدن مواد خارجی به آنست به طوری که کیفیت فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی آن به اندازه ای تغییر می

آب و اکوسیستمهای آبی

راجع به آب و اهمیت آن همگان کم و بیش مطالبی می دانند: آب مایه حیات تمام موجودات زنده اعم از گیاه و حیوان و انسان است. بخش بزرگ بدن اینها را آب تشکیل می دهد. از دوره های ناروشن پیشینه تاریخ تا بیشتر در همین دوران معاصر ما، جامعه های انسانی و افراد بشر، علاوه بر آب آشامیدنی، برای رفع بسیار نیازهای دیگر محتاج آب بوده اند. برای آبیاری در کشاورزی و باغداری، برای تأمین مواد غذایی، از ماهیگیری و میوه و دانه های گیاهی گرفته تا هزار و یک رشته حرفه ای و صنعتی، برای رفت و آمد و... و سپس گسترش و کاربرد صنعتهای بی شمار دوران نوین، نوع بشر و ساختارهای اجتماعی وی همیشه به وجود و جریان آب وابسته بوده است. فکر می کنم در این نکته محل اختلاف نباشد که، به یک اعتبار پیدایش فرهنگ و تمدن به حضور و نزدیکی جریانها، منابع و شبکه های آب مشروط بوده، کما این که اکنون هم «مسأله آب» یکی از حادترین موضوعهای اختلاف و کشمکش و نزاع در سطح جهانی به شمار می رود. در هر حال، وجود آب همیشه سرمایه زندگی و رونق و شکوفایی و اعتبار به حساب آمده است. بی خود نبوده که کاربرد کلمه آب از قدیم نیز همینها را تداعی می کرده و به طور مثال، بنا به روایت صاحب برهان: «معانی فیض و عطای و رحمت و دولت و ترقی و رواج و... کنایه از لؤلؤ و جواهر و شمشیر و تیغ گوهردار و نفس کامل و عقل کل نیز گرفته است.»

به قول شاعر:

ای همه کار تو برونق و آب

وی همه رأی تو درست و صواب

*

چرخه آب در یک نظام بسته صورت می گیرد، بدین ترتیب که بارندگیهای گوناگون - برف و باران و تگرگ - ذخیره آب اقیانوسها و دریاها، دریاچه ها و رودخانه ها و برکه ها را پر می کند و همزمان در اثر تابش نور خورشید و ایجاد بخار آب و ابر و اقلیم مساعد، باز روند بارندگیها کم و بیش تکرار می شود. در مواردی که این بارشها به

کند که برای مصارف گوناگون انسان و استفاده سایر موجودات و نیز کاربرد در کشاورزی و... مضر می شود. خیلی خلاصه بخواهم بگویم، معمولاً آبی را آلوده می دانند که مقدار اکسیژن محلول در آن از اندازه ای که برای زندگی آبزیان ضروریست کمتر باشد. کیفیت آب در اثر مخلوط شدن با مواد آلاینده افت می کند. مثلاً به علت تخلیه فاضلابها و یا سپاهای صنعتی به اکوسیستمهای آبی، این مواد به علت خاصیت اکسید شوندگی شدید، با مصرف اکسیژن محلول در آب موجب آلوده شدن آن می شوند. در واقع مهمترین روش اندازه گیری کیفیت آب تعیین میزان اکسیژن محلول در آنست. پژوهشگران آلوده کننده های آب را به این شرح ذکر کرده اند: عوامل بیماری زا، مواد مصنوعی آلی، مواد مغذی گیاهی، نفت، مواد معدنی، مواد معلق و رسوبات، مواد رادیو اکتیو، حرارت و گرمای زیاد.

آب اقیانوسها و دریاها از توان جذب و حل عظیمی برخوردار است. به همین جهت تا مدتهای مدید این تصور در ذهن بشر وجود داشت که این اکوسیستمهای گسترده و کهنسال کره زمین پالایشگاه نهایی همه کثافات و فضولات است و آب اقیانوسها و دریاها می تواند همه آلودگیها و آلاینده های زمین را در خود حل و پاک کند. اما امروزه که عواقب وخیم آلودگی شدید آب دریاها - مانند دریای شمال و... بارز شده و خسارتهای عظیم ساحلی و حرفه ای به بار آورده، یا بسیار رودهای پرآب در سرزمینهای صنعتی - مانند رودخانه های راین و دانوب و... عملاً به صورت فاضلابهای تیره رنگ و طولانی صنایع در آمده اند و نسل ماهی و دیگر آبزیان آنها به کلی ورافتاده، دیگر آشکار شده که مسأله آلودگی بیش از حد تحمل آبهای دریایی و دیگر اکوسیستمهای آبی جهان یک واقعیت مهیب و تهدید کننده است. در واقع از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، رفته رفته اکوسیستمهای آبی نشانه های نگران کننده ای از تشدید خرابی و آلودگی نشان داده اند و با مرگ و میر میلیونی آبزیان هراز گاهی توجه افکار عمومی جهان به این فاجعه مهیب زیست محیطی، که ناشی از نوع کار و صنایع و زندگی مدرن انسان بوده، جلب شده است. می دانیم که اقیانوسها و دریاها، کهن ترین زیستبومهای کره ارض هستند. به همین دلیل از تعادل دینامیک و نیروی بازسازی و خود

پالایشی عظیمی برخوردارند. این اکوسیستمهای قدیمی، در عین ذخیره کردن بیشترین حجم آب موجود کره زمین به علاوه مجموعه کثیر املاح و مواد جامد دیگر، اجتماع میلیاردها موجود زنده حیوانی و گیاهی را در بردارند. قوه حیات و پالایش این زیستبومها شگفت انگیز است. با این حال، وقتی درجه آلودگی و تخریب در واحد زمان به حدی می رسد که بر نیروی خود پالایی آنها غلبه می کند، آنگاه تعادلهای اولیه این اکوسیستمها به هم می خورد و چرخه حیات بسیار موجودات زنده آنها مختل می شود. آن وقت است که به جای قوه بقاء و زاد و ولد، روند مرگ و میر فزاینده و انقراض انواع زنده در بطن آن بروز می کند. شرح یک به یک آلودگیها و عواقب مشخص آنها نوشته را به درازا می کشد. به منظور ذکر یک مورد مهم و بین المللی، این جا صرفاً به عواقب آلودگی نفتی اشاره می کنم:

تمامی محصولات و ترکیبات نفت خام برای آبزیان و همه ارگانیزمهای دریایی به درجاتی سمی است. میزان حساسیت جانداران دریایی نسبت به آلودگی نفتی فرق می کند. مثلاً برخی از ماهیها می توانند در صورت آلوده شدن آب به نفت، محل زندگی خود را به سرعت تغییر دهند. اما عموماً در خطر عاجل قرار می گیرند، زیرا هم ترکیبات نفتی محلول و هم مواد نفتی غیر محلول می توانند برای آبزیان مرگ آور باشند. ترکیبات نفتی بر رشد باکتریهای آب نیز اثر می گذارند. نشت نفت در آنها می تواند به کاهش جمعیت جلبکها و تک یاخته های دریایی منجر گردد. همین طور مجموعه های لاروی ماهیها و سخت پوستان و نرم تنان دریا به شدت آسیب می بینند. بیشترین اثر تخریبی نفت در مورد موجودات کف دریا می باشد، زیرا بخشی از نفت نشت کرده به آب دریا سرانجام به صورت یک لایه در کف آب جای می گیرد و موجودات ساکن در کف دریا گاه تا چند دهه در معرض آثار سمی این لایه نفتی قرار می گیرند. نگفته روشن است که آلودگی نفتی بر فعالیتهای ماهیگیری نیز تأثیر وخیمی دارد و خسارتهای عظیم به بار می آورد. همین طور بسیاری از پرندگان دریایی در برابر آلودگیهای نفتی شدیداً آسیب پذیرند، زیرا پر و بال این پرندگان به هنگام شیرجه در آب دریا برای شکار

زنان و مسیر رهایی

-- لیلیا

کشف چند شبکه خودفروشی در ایران

۲۵ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - در ایران ۱۴۸ تن که اغلب آنان را زنان تشکیل می دادند به اتهام دانه کردن مراکز خودفروشی دستگیر شدند. پلیس اعلام کرد این افراد اعضای ۱۱ گروه خودفروش بودند که مرکز آنان در مشهد قرار داشت. ۴۴ نفر از دستگیر شدگان زن دارای سنین ۱۵ تا ۳۰ ساله بودند. در ۸ خانه ای که توسط پلیس مورد بازرسی قرار گرفت، مقدار زیادی مشروبات الکلی، موتورسیکلت و تلفن همراه کشف و توقیف شد.

ازدواج هزاران کودک در هند

۲۷ اردیبهشت: ، آسوشیتد پرس - هزاران کودک در مراسمی در یک عبادتگاه هندو واقع در کشور هندوستان، طی یک مراسم سنتی که چندین قرن قدمت دارد، به عقد و ازدواج یکدیگر درآمدند. این کودکان که از سراسر مناطق شمالی و مرکزی هندوستان سفر کرده بودند، سنین دوسال به بالا را داشتند. کودکان دختر به محض رسیدن به سن بلوغ که غالباً ۱۳ سال است، به خانه داماد فرستاده می شوند. با وجود این که قوانین در این کشور ازدواج زیر سن قانونی را شامل مجازات می داند، اما بسیاری از خانواده ها ترجیح می دهند که برای دختران خود در سن کودکی همسر انتخاب کنند زیرا آنها قادر نیستند با تصمیم خانواده خود مخالفت ورزند. این رسم در میان مردم شهری و تحصیل کرده در حال زوال است اما در روستاها هنوز اجرا می شود. پدران معتقدند که بدین وسیله زنی فرمانبر را برای پسرشان تضمین کرده اند. طبق قانون این عمل برای خانواده ها ۳ ماه زندانی دارد که البته دولت تلاش می کند چشمان خود ببری آن ببندد.

رای زنان بحرینی به مردان

۲۸ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - در انتخابات بحرین با اینکه شمار رای دهندگان زن از مردان بیشتر بود اما حتی یک زن هم رای کافی برای تصاحب کرسی نمایندگی بدست نیاورد. ۵۵ درصد از ۹۰ هزار نفر واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند. تعداد شرکت کنندگان زن ۲۷ هزار نفر و رقمی نزدیک به ۵۵ درصد کل رای دهندگان را دربر می گرفت. در میان ۳۰۶ نامزد،

۳۱ کاندیدای زن به چشم می خورد که هیچ یک از آنان موفق به کسب آراء لازم نشدند. این اولین انتخابات نسبتاً دموکراتیک طی ۳۰ سال اخیر در بحرین بود. اکثر انتخاب شدگان از طرف گروه های اسلامی حمایت می شدند.

زنان آرژانتینی تنها نان اوران خانواده

۲۸ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - در آرژانتین بیکار شدن دهها هزار نفر و افزایش بیست درصدی نرخ بیکاری سبب گشته مردان آرژانتینی که در گذشته هرگز در خانه کار نمی کردند به خانه داری بپردازند. هم اکنون مخارج بیش از ۳۴ درصد خانواده ها توسط زنان تأمین می شود، در نقاط فقیر نشین این رقم به ۷۰ درصد رسیده است.

چفیه، مد همبستگی در لبنان

۲۸ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - این گونه به نظر می رسد که به دلیل خشم و تنفر از اقدامات اسرائیل، رابطه توأم با بدبینی بین فلسطینی ها و مردم لبنان به پایان رسیده باشد. در همین رابطه اکنون روسری چهارخانه فلسطینی ها نزد سیاستمداران، هنرپیشگان، خوانندگان و مردم عادی لبنان به یک مد جدید تبدیل شده است. حتی مسیحیان لبنانی که در گذشته با چریکهای ساف می جنگیدند، اینک برای ابراز همبستگی از آن استفاده می کنند. چفیه دیگر و تنها با رنگهای سیاه، سفید و قرمز تزئین نمی شود بلکه پرچم فلسطین یا مسجد الاقصی را نیز بر خود نقش کرده است. آنها به قیمت گران فروخته می شوند و بسیاری از فروشندگان می گویند اغلب اوقات به سرعت به فروش رفته و نایاب می شوند.

تعیین حدنصاب برای معرفی نامزدهای انتخاباتی

۳۰ اردیبهشت: ، آسوشیتد پرس - ۳۸ / ۵ درصد از میان ۸۱۳۶ تن کاندیدای عضویت در انتخابات مجلس فرانسه را زنان تشکیل می دهند. بنا به یک قانون جدید در فرانسه، احزاب سیاسی این کشور موظف به معرفی تعداد مساوی کاندیداهای زن و مرد هستند. در غیر این صورت، طبق همین قانون، به پرداخت جریمه ناچار خواهند بود. با این وجود رقم زیر پنجاه درصد نشان داد که احزاب کاملاً از این قانون پیروی نکرده اند. بنا به گزارش پارلمان در ماه مارس ۴۷ / ۵ درصد از اعضای شورای شهر را

زنان تشکیل می دادند که این رقم در سال ۱۹۹۵ تنها ۲۵ / ۷ درصد بود.

اسید پاشی در کامبوج

۲۸ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - فعالین حقوق بشر اعلام کردند طی سه سال اخیر ۲۵ زن در کامبوج با اسید مورد تهاجم قرار گرفته اند. این حملات اغلب توسط زنانی صورت گرفته است که در صدد انتقام از قربانیان خود به دلیل رابطه آنها با همسرانشان بوده اند.

حقوق برابر در اجرای ستهای اسلامی

۲۹ اردیبهشت، آسوشیتد پرس - روحانیون مسلمان در ترکیه با حضور زنان در مراسم خاکسپاری و نماز در کنار مردان موافقت کردند. آنان همچنین ورود زنان به مساجد و خواندن قرآن در هنگام عادت ماهیانه را بدون اشکال معرفی کردند.

زنان ترکیه مدتهاست که برای کسب حقوق برابر اسلامی فعالیت می کنند. تقریباً اکثریت قاطع شهروندان ترکیه مسلمان هستند و ازدواج آنان با غیر مسلمانان آزاد است.

پلیس ایران در جستجوی عروسک باری

۳۱ اردیبهشت: آسوشیتد پرس، پلیس ایران در فروشگاهها به دنبال عروسک مدل آمریکایی باری می گردد تا آنها را ضبط کند. یک مغازه دار گفت آنها به محل کار وی هجوم آورده و کلیه عروسکها را توقیف کردند. این عروسک که مایو و یا دامن کوتاه به تن دارد غیر اسلامی خوانده شده است. اسباب بازی مزبور به بهای ۴۰ دلار به فروش می رسد و این در حالی است که درآمد متوسط ماهیانه در ایران از ۱۰۰ دلار فراتر نمی رود.

مجازات زندان برای عدم تحصیل کودکان

اول خرداد: سایت سوسیالیست جهانی - در انگلستان یک زن که دارای ۵ فرزند است به دلیل اینکه دو دختر ۱۵ و ۱۳ ساله اش به مدرسه نمی رفتند دستگیر و به ۶۰ روز زندان محکوم گشت. این زن اولین قربانی یک ماده قانونی به شمار می رود که سال گذشته به برنامه آموزشی مصوبه سال ۱۹۹۶ اضافه شد. طبق این قانون دولت اجازه دارد پدر یا مادر کودکانی که به مدرسه نمی روند را دستگیر کرده و به زندان بیاورد.

پیش از ماه مه ۲۰۰۱ برای خانواده متخلف به عنوان مجازات هزار پوند

جریمه نقدی تعیین شده بود. بنا به قانون جدید این کیفر به ۲۵۰۰ پوند جریمه نقدی و سه ماه زندان تشدید شده است. مجازات یاد شده در صورتی که خانواده از خودداری کودکان از رفتن به مدرسه اطلاع داشته باشد، بالا می رود. محکومیت زن مزبور یک نمونه دیگر از روشهای افراطی حزب کارگر انگلیس است که برای پاسخ به مشکلات اجتماعی به کار بسته می شود.

عفو بین الملل حکم سنگسار در ایران را محکوم می نماید

۳ خرداد، رادیو المان - سازمان جهانی مدافع حقوق بشر عفو بین الملل در نامه ای که برای وزیر خارجه اسپانیا و رئیس پارلمان اروپا ارسال نمود، نسبت به حکم سنگسار ۴ تن از زنان در کشورهای ایران، پاکستان و نیجریه هشدار داد. بر پایه اطلاعاتی که در اختیار عفو بین الملل قرار گرفته است، ۲ زن ایرانی به اسامی سیمما و فردوس ب به سنگسار محکوم شده اند و هم اکنون در زندان و در انتظار اجرای حکم صادره به سر می برند.

آتشباری زنان مافیایی به روی یکدیگر

۷ خرداد، رویترز - در یک درگیری بین دو خانواده مافیایی در ایتالیا، بیش از ۵۰ زن و دختر جوان به روی هم تیراندازی کردند. این زنان همسران و نوه های خانواده کامارو که در شهر ناپل فعالیت می کنند، بودند. سرنشینان زن دو اتوموبیل یکدیگر را گلوله باران کردند. زنان در خانواده های مافیایی، بطور سنتی اجازه وارد شدن به مسائل همسران خود را ندارند و وقت آنان بین کلیسا، آشپزخانه و عزا داری برای نزدیکان از دست داده شان صرف می شود. اکنون جنگ با هم جنسان، سنت پدر خوانده را به مادر خوانده تبدیل کرده است.

همه پرسوی در باره آزادی سقط جنین در سوئیس

۱۲ خرداد، آسوشیتد پرس، در یک رفراندوم سراسری در سوئیس، ۷۲ درصد رای دهندگان به آزادی سقط جنین تا هفته دوازدهم بارداری پاسخ مثبت دادند. پس از این مهلت، سقط جنین مشمول کیفر قانونی خواهد بود. در بین کشورهای اروپایی، قوانین سقط جنین سوئیس از سختگیرانه ترینها به شمار می رود.

بقیه در صفحه ۱۱

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۰

عبور از قطب شمال

۱۲ خرداد، آسوشیتد پرس - دو زن انگلیسی که قصد سفر به قطب شمال را داشتند با موفقیت به هدف خود نائل آمدند. این اولین تیم منحصراً متشکل از زنان است که قطبهای جنوب و شمال را درمی نوردد. سفر آنان ۸۱ روز به طول انجامید.

نابرابری در تقسیم محل کار در اروپا

۱۵ خرداد، رویتر - یک کمیسیون اروپایی، میزان اشتغال محلهای کار علمی توسط زنان در ۳۰ کشور اروپایی را در یک گزارش مورد بررسی قرار داده است. با وجود آنکه بیشترین تعداد دانشجویان در رشته های پزشکی و بیولوژی را زنان تشکیل می دهند اما آنان در زمینه کسب مشاغل کماکان اقلیت ناچیزی به شمار می روند. علیرغم به کارگیری تبعیض مثبت در بسیاری از کشورها، تفاوت در برقراری برابری در این پهنه همچنان وجود داشته است. در پایان گزارش مزبور آمده است که ایجاد توازن بهتر در میزان شرکت زن و مرد در تحقیقات علمی، عنصری کلیدی در جهت افزایش اعتماد همگانی به علوم می باشد.

فشار برای پیوستن امریکا به CEDAW

۱۶ خرداد ... - دو سناتور امریکایی بررسی مجدد پیمان رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) را در دستور کار خود قرار دادند. این پیمان توسط ۱۶۹ کشور به امضاء رسیده و طی بیست سال اخیر، سبب ایجاد تغییراتی در جهت حقوق زنان در کشورهای مزبور گشته است. ایالات متحده امریکا در کنار کشورهای همچون ایران، افغانستان و سومالی از جمله کشورهایی می باشد که از امضای این قرارداد سرباز زده است. بیش از ۱۴۰ گروه و سازمان مذهبی و مدنی در امریکا، از پیوستن کشور خود به این پیمان حمایت کرده و پافشاری می کنند. ... ، اتحاد زنان

روحانی کاتولیک و غفو بین الملل از این زمره هستند.

افزایش شمار دختران فراری در تهران

بنا به آمار رسمی حکومت، در ایران شمار دختران فراری در سال ۸۰ نسبت به سال گذشته از ۱۲۰۰ نفر با ۵۰۰۰ دختر فراری در تهران به ۱۲۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

مجید ابهری، دکتری علوم رفتاری که با روزنامه "انتخاب" سخن می گفت در همین رابطه اعلام داشت رقم دختران فراری در تهران، سالانه ۱۲ درصد رشد داشته است.

چندی پیش دو خواهر ۱۶ و ۱۷ ساله در خلال دو ماه فرار از خانه، هزار و صد نفر را به ایدز مبتلا کردند. همین کارشناس تعداد "خانه های فساد" در مناطق کم تردد شمال و شمال غرب تهران را بین ۷۰ تا ۱۷۰ دستگاه تخمین زد که این رقم در کل شهر تهران بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ خانه است. طیف سنی دختران درخانه های مزبور اکثراً بین ۱۶ تا ۱۸ سال است. ابهری همچنین با انتقاد از فضای نامساعد زندانها گفت ۴۰ درصد زندانیان مبتلا به ویروس ایدز هستند، وی افزود در ایران ۱۷۷ هزار نفر زندانی وجود دارد که ۱۰۰ هزار نفر خارج از استاندارد است.

محرومیت دختران بوکان از تحصیل

۱۷ خرداد: تلویزیون شبکه خبر - ۸۰ درصد از دانش آموزان دخترمناطق روستایی شهرستان بوکان پس از پایان مقطع ابتدایی از ادامه تحصیل باز می ماند. رئیس اداره آموزش و پرورش بوکان کمبود مدارس راهنمایی دخترانه، گرایش خانواده های روستایی به اشتغال دختران کم سن و سال و نبود مدارس شبانه روزی را از جمله عوامل مهم ترک تحصیل دختران روستایی این شهرستان اعلام کرد. وی گفت: هم اکنون بیش از ۳۶۰۰ دانش آموز دختر در مدارس ابتدایی مناطق روستایی این شهرستان زندگی می کنند و درحالی که تعداد دانش آموزان دختر مناطق روستایی این شهرستان در مقطع راهنمایی فقط ۳۴۰ نفر است که این رقم نشانگر

باز ماندن بیشتر دختران مناطق روستایی از ادامه تحصیل است

اعتراض علیه قانون منع روسری در مدارس در سنگاپور

۲۰ خرداد، آسوشیتدپرس - خانواده چهار دختر مسلمان به دلیل اخراج فرزندانشان از مدرسه به جرم پوشیدن روسری، به دادگاه شکایت بردند. مقامات دولتی سنگاپور که در سالهای ۱۹۵۰ و ۶۰ شاهد آشوبهای بزرگی ناشی از تبعیضات نژادی و مذهبی بوده است در این باره اظهار داشتند قانون منع روسری برای یکسان کردن و ایجاد هماهنگی پوشش بین دانش آموزان به مورد اجرا گذاشته شده است.

مسلمانان در این کشور ۱۵ درصد (۳/۲ میلیون) جمعیت را تشکیل می دهند. این قانون سبب برانگیختن اعتراض کشورهای همسایه همچون مالزی و چندین سیاستمدار از کشورهای اسلامی گشته است.

انتخابات لوی جرگه در افغانستان

۲۰ خرداد: آسوشیتدپرس - ۲۰۰ زن افغانی به عضویت لوی جرگه درآمدند. آنها کمی بیش از ۱۰ درصد از مجموع ۱۵۵۰ نماینده را تشکیل می دادند. در انتخابات نخست وزیری، خانم مسعوده جلال کارمند برنامه تغذیه سازمان ملل جدی ترین رقیب کرزای بود که آرای ۱۷۱ تن از نمایندگان را کسب نمود. حمید کرزای ۱۲۹۵ رای را بدست آورد. بنا به گفته تاهدان عینی، وزیر دفاع افغانستان، فهید فصیم، همسر خانم جلال را برای پس گرفتن نامزدی خود تحت فشار گذاشت زیرا به گفته او این کاندیداتوری "غیر اسلامی" محسوب می شد.

کاهش وزن با سیگار

۲۰ خرداد، رویتر - براساس یک مطالعه پژوهشی، دختران جوان امریکایی برای پایین نگاه داشتن وزن خود به کشیدن سیگار روی آورده اند. در این گزارش از خانواده ها و آموزگاران درخواست شده است که دختران را برای کنترل وزن به تغذیه سالم تشویق کنند.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت خواستار

اعزام هیأت بین المللی به ایران برای بررسی

موج جدید جنایات ملایان علیه زنان شد

خانم سروناز چیت ساز مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران در نامه های جداگانه ای به خانم مری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، خانم رادیکا گوماراسوامی، گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، خانم بنا کارامانو، رییس کمیسیون حقوق زنان و فرصتهای برابر در پارلمان اروپا، همچنین وزیران امور زنان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و مسئولان سازمانهای بین المللی مدافع حقوق زنان، خواستار اعزام فوری یک هیأت بین المللی به ایران برای بررسی موج جدید جنایات دیکتاتوری قرون وسطایی آخوندها علیه زنان شد.

خانم چیت ساز با اشاره به صدور حکم سنگسار برای زن جوانی به نام شهناز که هفته گذشته اعلام گردید، تاکید کرد که تنها از سال ۱۳۷۶ تا امروز - یعنی در دوران ریاست آخوند خاتمی - ۱۵ حکم رسمی سنگسار زنان اعلام شده است که از این تعداد ۱۲ زن سنگسار شده اند و سه زن هم اکنون در زندانهای ایران در انتظار اجرای حکم سنگسار می باشند.

مسئول کمیسیون زنان گفت: تحت حاکمیت زن ستیز آخوندها، ایران رکورددار جهان در فجایع علیه زنان است. امروز ایران دارای بالاترین میزان خودکشی و افسردگی زنان در جهان است. بنا به آمار رسمی، یک چهارم زنان جامعه دچار افسردگی هستند و یک سوم زنان قربانی خشونت می باشند.

خانم چیت ساز رشد هولناک پدیده دختران فراری، گسترش فحشا و کاهش قابل توجه سن فحشا در میان دختران، و گسترش افسارگسیخته اعتیاد به خصوص در میان دختران جوان را از نتایج دیگر سیاستها و عملکردهای زن ستیزانه حاکمیت آخوندی و تبعیض جنسی نهادینه شده در قوانین این رژیم توصیف کرد.

مسئول کمیسیون زنان نوشت: در حالی که جنایات رژیم آخوندی علیه زنان رو به افزایش است، تا جایی که نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در آخرین گزارش خود به مجمع عمومی ایران را «زندانی برای زنان» توصیف کرده بود، خاتمه یافتن نظارت بین المللی بر وضعیت حقوق بشر در ایران برای زنان ایرانی پیامی جز اعدام و سنگسار و شکنجه و شلاق و تحقیر و تبعیض بیشتر ندارد. نگاه گذرای به کارنامه جنایات این رژیم علیه زنان طی کمتر از دو ماه که از اجلاس کمیسیون حقوق بشر می گذرد، به روشنی گواه این مدعا است. از این رو، به نام زنان سرکوب شده ایرانی، از شما خواستارم تا موج جدید اعدام و سرکوب در ایران، به خصوص سنگسار زنان را محکوم کنید و هیأت ویژه ای را برای تحقیق در مورد نقض فزاینده حقوق زنان در ایران اعزام کنید.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

۱۷ خرداد ۱۳۸۱

دستاوردهای ننگین رژیم ولایت فقیه کودکان خیابانی، دختران فراری، گسترش فحشا و اعتیاد

۱۵ دانش آموز در نوشهر به علت نپرداختن کرایه از جلسه امتحان محروم شدند

۳۹ خرداد - ایرنا: ۱۵ دانش آموز روستایی در بخش «کجور» نوشهر به دلیل پرداخت نکردن به موقع کرایه ۲ ماهه مینی بوس ایاب و ذهاب مدرسه از شرکت در جلسه امتحان ریاضی جبرانی محروم شدند. شماری از اولیاء دانش آموزان در گفت و گو با ایرنا با انتقاد از مدیر دبیرستان دخترانه «فاطمه زهرا»ی کجور ممانعت از شرکت دانش آموزان در امتحان به بهانه «پرداخت نکردن کرایه» را غیر منصفانه اعلام کردند. یکی از اولیاء دانش آموزان در روستای اسلام آباد گفت: علت پرداخت نکردن به موقع کرایه مینی بوس فقر و تنگدستی کشاورزان کجوری است. بهجت شیخ الاسلامی مدیر این مدرسه در این زمینه اظهار داشت: محروم کردن دانش آموزان از امتحان برای ترساندن آنان به منظور پرداخت کرایه ایاب و ذهاب خود بوده است.



کار اجباری کودکان

روز شنبه ۱۲ ژوئن، اجلاس سازمان جهانی کار در مخالفت با کار کودکان در جهان، در ژنو برگزار گردید. بر اساس آمار این سازمان، ۲۱۱ میلیون کودک در سنین ۵ تا ۱۴ سال، در جهان کار می کنند. ۷ کودک روی ۱۰ بخش کشاورزی بدون قراردادهای مشخص کار و کنترل شده، به کار مشغولند. حدود ۱۰ میلیون کودک در آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی، در بخش صادراتی برای شرکت های اروپایی و آمریکایی کار می کنند. این کودکان بیشتر در بخش های خیاطی، کشت دخانیات، قالی بافی، کشت کاکائو برای شرکت های فراملیتی به کار مشغولند. صدها شرکت مثل آدیداس، گاپ، نایک محصولات خود را با نیروی ارزان کشورهای فقیر تولید می کنند. کودکان در کشورهای فقیر، به عنوان یک منبع درآمد برای خانواده ها محسوب می شوند. این کودکان در مقابل محرومیت از مدرسه، بازبهای کودکانه، اجبار به تامین معیشت خانواده خود هستند. کودکان اولین قربانیان فقر، ناهنجاریهای اجتماعی، هستند که نار سنگین بی عدالتی را بر دوش ناتوان خود می کنند. لذا کار کودکان که زاده فقر جامعه است، همپای عدم تامین اجتماعی، بی عدالتی، فقدان آموزش رایگان، همگانی و اجباری خارج از قراردادهای کار کنترل شده و دور از نظارت سازمانهای بین المللی کار به حیات خود ادامه می دهد.

افسردگی
روزنامه خراسان اول خرداد - در ایران ۵ میلیون نفر مبتلا به افسردگی ۲۴۰ هزار نفر مبتلا به اسکیزوفرنی و بیش از ۵۰ هزار نفر دچار اختلالاتی روحی هستند و در تهران ۲۱/۵ درصد مردم بالای ۱۵ سال از یک اختلال روانی رنج می برند که ۲۷/۷ آن را زنان و ۱۴/۵ درصد آن را مردان تشکیل می دهند.

کودکان خیابانی، دختران فراری

روزنامه انتخاب ۱ خرداد - دکتر ابهری: روزانه در تهران ۵۰ تا ۶۰ دختر فراری سناسای و جمع آوری می شوند.

شمار دختران فراری در سال ۸۰ نسبت به سال گذشته از ۱۲۰۰ تا ۵۰۰۰ دختر فراری در تهران به ۱۹۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

خانه های فساد در کل شهر تهران بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ برآورد شده است ضمن این که شمار زنان خیابانی و ساکن در این خانه ها نیز هر سال بین ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد دارد و طیف سنی بیشتر آنان از ۱۶ تا ۱۸ سال متغیر است.

کیهان ۱۳ خرداد - صمدی راد جامعه شناس و استاد دانشگاه: «در ۴ ماهه سال ۱۳۸۰ بیش از ۶۰۱۵۰ نفر نوجوان از خانه و شهر خود فرار کرده اند... در ایران تعداد کودکان فراری به گونه نگران کننده ای در حال افزایش است.»

روزنامه آفتاب ۱۶ خرداد: «انور صمدی راد از اساتید دانشگاه علامه طباطبایی نیز آمار دختران فراری در سالهای اخیر را نگران کننده خواند. وی گفت: متوسط سن این دختران فراری در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب ۱۶ و ۱۴/۷ سال است.»

فحشاء

روزنامه آفتاب ۱۶ خرداد: در همایش آسیبهای اجتماعی زنان - شهلا معظمی محقق گفت: «حدود یک سوم زنان در طول زندگیشان مورد خشونت واقع می شوند، اما به دلیل ترس از آبرو، طولانی بودن روند قضایی و اعتقاد به وجود قوانینی که به نفع مردان است از مراجعه به مسئولان ذی ربط خودداری می کنند.»

نوروز ۱۳ خرداد: شهین علایی زنده استاد دانشگاه علامه طباطبایی: «۲۰ درصد از روسپیان از مراکز بهزیستی وارد اجتماع شده اند که این امر نشانگر یک فاجعه بزرگ است. دو سوم روسپیان معتاد هستند.»

شهین علایی زنده در مورد تن دادن زنان به روسپیگری گفت: «سن آغاز روسپیگری در مورد بیش از ۶۰ درصد از دختران ۱۳ تا ۲۰ سالگی بوده است. در حالی که این میزان در مورد هر دو گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال و بالاتر از ۲۹ سال ۲ درصد است. همچنین دو سوم از زنان روسپی قبل یا بعد از روسپیگری معتاد شده اند.»

در روزهای ۱۱ تا ۱۳ خرداد ماه از طرف انجمن جامعه شناسان ایران جلساتی با عنوان «همایش آسیبهای اجتماعی برگزار شد». از طرف شرکت کنندگان در این جلسات، آماري تکانهنده در مورد دختران فراری و فحشاء دختران در سنين پایین ارائه شده است. تکان دهنده ترین آمار در مورد کودکانی که از خانه فرار می کنند، می باشد. خانه هایی با نامهای ریحانه، متعلق به دختران و سبز متعلق به پسران و هم چنین سازمان بهزیستی، کودکان دستگیر شده در خیابانها را جا می دهند. ایجاد خانه هایی برای کودکان فراری در ایران تبدیل به پایگاهی امن برای دلان تجارت زنان و دختران شده است. تا به حال نمونه هایی از این گونه خانه ها بر ملا شده و رژیم مجبور به تعطیل آن شده است. علت اصلی فرار کودکان از خانه ها، فقر مطلق خانواده برای تامین معاش، قدرت مطلق پدر بر کودک (تا حد کشتن)، فشار و سرکوب بر دختران یا تکیه بر قوانین ارتجاعی رژیم، چشم اندازی تاریک و نامعین برای جوانان و ... می باشد. این آسیبهای اجتماعی محصول مستقیم سیاستهای ارتجاعی و عقب مانده رژیم حاکم بر ایران است. طبیعی است که در این رژیم نه تنها چشم اندازی برای بهبود و کاهش آنها نمی توان یافت بلکه روز به روز گسترش خواهد یافت.

در زیر به نمونه های از این آمار از زبان رسانه های رژیم که همزمان با این جلسه ارائه شده است، اشاره می کنیم.

خودکشی

روزنامه آفتاب ۲ خرداد: نتایج تحقیقات انجمن جامعه شناسان ایران - هر نیم ساعت یک نفر اقدام به خودکشی می کند. در سال ۷۹ نزدیک به ۲۰ هزار نفر اقدام به خودکشی کردند که از این رقم ۹۳ درصد واقعا قصد خودکشی داشته اند و ۶ درصد از خودکشیها نیز جنبه تهدیدی داشته است.

حداقل می توان گفت هر سال ۲ هزار نفر در تهران از ۲۰ هزار نفر موفق به خودکشی می شوند و ۱۸ هزار نفر دیگر نیز پس از معالجه رهایی پیدا کرده و چه بسا کاندیدا می شوند برای خودکشیهای بعدی.

در حدود ۲۵ درصد خودکشیها را مردان و ۴۸ درصد را زنان تشکیل می دهند.

همشهری ۲۱ خرداد: در مورد خودکشی در میان دانشجویان، دکتر امان الله قرانی مقدم عصو هیأت علمی دانشگاه می گوید: سبب خودکشی دختران به پسران ۵ به ۲ و خودکشی دختران بیشتر با استفاده از قرص و مسمومیت و در پسران به صورت حلق آویز کردن خویش است. سن خودکشی بین ۱۸ تا ۲۴ لست.

باند کثیف سیاه جامگان در گلوگاه

شهرزاد - خ

در سال ۵۹-۱۳۵۸ سه تن از سران حکومت آخوندی، بهشتی، خامنه‌ای، خلخال‌ای از طرف شخص خمینی سفری اضطراری به استان مازندران و شهر گلوگاه انجام دادند تا پیام خمینی را در مورد خطرانی که روحانیت را تهدید می‌کند به گوش مردم برسانند. پیام این سفرها کاملاً آشکار بود، فرستادگان رژیم به مانند دیکتاتوری شاه توطئه‌ها و دسیسه‌هایی تازه و نو را علیه مردم زحمتکش و دهقانان این شهر، در سر می‌پروراندند. به ویژه این که جو این شهر کاملاً سیاسی بود. مبارزات مسلحانه و جنبش دهقانی گلوگاه به رهبری حامد اسدیپور از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ علیه خوانین و زمین‌داران و دستگاه رژیم پهلوی - وجود و حضور دفاتر سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در بسیاری از شهرهای مازندران مانند ساری، گرگان، بندر ترکمن، کردکو، بندرگز، بهشهر، گلوگاه، قائمشهر، بابل و جویبار، نکا و شرکت هزاران تن از مردم تنسالم در مراسم‌هایی چون روز جهانی کارگر در قائمشهر و بزرگداشت حماسه سیاهکل در ساری و بابل - علاقه و وابستگی‌های فرهنگی مردم گلوگاه به خلق ترکمن صحرا و حمایت آنها از مردم ترکمن صحرا در جنگ با رژیم تأثیرات عمیقی بر مردم این شهر گذاشته بود. وجود چنین عواملی بود که خلخال‌ای قصاب با سفر به این شهر و با حمایت آخوندی به نام حاج شیخ حسین زاهدی فرزند حسن زاهدی دست به ایجاد باندی سرکوبگر از پاسداران زد. این باند در آغاز تأسیس باعث اعدام شخصی به نام انوشیروان عسگری، قطع انگشتان دست یک جوان به نام عزیز صیدانلو و شلاق‌زنی در ملاء عام برای دو تن از فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق شد.

در سال ۶۱ حاج آقا زاهدی مزدور، دست به ایجاد باندی مخوفتر از باند مسلح پاسداران به نام «سیاه جامگان» زد. این گروه وحشی سالها (۶۰ تا ۶۹) با مردم این منطقه وحشیانه رفتار کرد. در زیر به نمونه‌ای از اعمال این باند اشاره می‌کنم.

حمله‌های گروهی و دسته جمعی به فعالان و هواداران سازمان‌های سیاسی، حمله به جوانان شهر تحت عنوان مبارزه با منکرات و نقض عضو کردن آنان با ابزارهایی چون: ساپور، قمه، دشنه، چاقو، تبر، کابل و زنجیر، شلاق، میله و لوله‌های آهنی، یورش و حمله به خانه‌های مردم، دزدیدن اموال مردم، ربودن دختران و تجاوز به آنها در اماکن مخفی، تخریب باغ‌های کشاورزی و مرکبات دهقانان زحمتکش و ...

شهادتی چون حامد مجریان، موسی یا حبیب خادمو، اسفندیار معتمدی به وسیله این باند اعدام و تیرباران شدند.

رفیق شهید کرد رستمی اهل بندر گز. از فعالان سازمان چریک‌ها که در سال ۶۰-۵۹ به هنگام حمل نشریه و اعلامیه‌های سازمان توسط موتورسیکلت از طرف پاسداران وحشی گلوگاه و بندرگز، ضربات شدیدی با باتوم به سر وی وارد می‌شود. وی با از

دست دادن کنترل و فرمان موتور متأسفانه با تیر چراغ برق برخورد کرده و به شهادت می‌رسد. در تدفین پیکر این رفیق در مزار معصوم زاده بندرگز هزاران تن از اهالی شهر گلوگاه، روستاهای لیوان شرقی و غربی و بندرگز و بندر ترکمن شرکت می‌کنند که باعث رعب و وحشت پاسداران و عمامه‌داران منطقه می‌شود به طوری که تا ۷ روز در آن منطقه حکومت نظامی اعلام شده بود.

رفیق شهید ایرج امیرخانلو از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که توسط پاسداران مزدور در منطقه کردستان ترور می‌شود و مزدوران سعی می‌کنند که ترور این رفیق شهید را به گردن گروه‌هایی مثل حزب دموکرات یا کومله بیان‌اندازند و مهر «شهید در راه اسلام» را به وی بچسبانند که حمل پیکر این رفیق توسط بسیاری از هواداران سازمان و دادن شعار مرگ بتر مزدور امیربالیسم، زنده باد فدایی، درود بر فدایی کلیه نقشه‌های این آخوندهای قاتل را نقش بر آب کرد. سید طاهر نبوی از فعالان سازمان مجاهدین خلق که توسط پسر عموهایی خود با دستور حاج آقا جادوگر، دستگیر و شکنجه و بالاخره توسط آنان تیرباران می‌شود. رفیق شهید مینا عسگری از هواداران سازمان مجاهدین که توسط مزدوران وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و بعد تیرباران می‌شود. شیردل عسگری، حشمت خادمو، جلیل مجریان، از هواداران سازمان مجاهدین خلق که به طور پنهانی و کاملاً مرموز ترور و کشته می‌شوند و از اجساد آنها هیچ کس اطلاعی ندارد.

میرامین میرامینی، از فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که توسط نیروهای اطلاعاتی استان وبا همکاری باند سیاه جامگان، توسط یک ماشین سواری ربوده می‌شود. از آن زمان به بعد کسی از وی خبری ندارد.

علی بابا صیدانلو که توسط باند سیاه جامگان ابتدا ربوده می‌شود و بعد از ضرب و شتم و واردن نمودن ضربه توسط تبر و دشنه، گویا از ارتفاع پلی در نزدیک شهر به پایین پرتاب کردند که توسط اهالی محل نجات پیدا کرد اما تا اخذ حیاتش از ضربه‌ها رنج برد. همان طور که عنوان شد اینها بخش کوچکی از هزاران جنایت رژیم علیه مردم ستم‌دیده این شهر می‌باشد.

این باندهای سیاه کثیف در میان مردم شهر بسیار منفور و سرشکسته هستند. بیشتر آنها به مواد مخدر روی آوردند. بزرگان آنها از ترس نگاه‌های خشم‌آلود مردم شهر به استانهایی بزرگ کشور فرار کرده‌اند. می‌گویند یکی از بزرگان آنها (حاج آقا جادوگر) شبها وارد شهر می‌شود و از ترس این که شناسایی نشود عمامه‌اش را برمی‌دارد. اما چه آنها از جایی به جای دیگر بروند و چه عمامه خود را بردارند تغییری در ماهیت غیر انسانی و ارتجاعی آنان نمی‌کند. تنها راه رهایی مردم زحمتکش، نابودی این رژیم با تمام باندها و دارودسته‌هایش توسط جنگ مسلحانه انقلابی است.

دستگیری ۷۹

دانشجو در فومن

روزنامه نوروز، ۷ خرداد: ۷۹ دانشجو که به عنوان گردشگر به شهرستان فومن سفر کرده بودند به اتهام ارتکاب اعمال خلاف عفت عمومی دستگیر شدند. فرماندار فومن افزود: با توجه به حساس بودن موضوع، فرمانداری دستور برگزاری سریع دادگاه متهمان، را صادر کرد. ۴۸ نفر از متهمان پس از یک شب بازداشت با قرار کفالت آزاد شدند. مسئول اردو تا پایان تحقیقات در بازداشت به سر می‌برد.

اعتراض به اجرای

حکم شلاق یک

دانشجو در آشتیان

۶ خرداد - روزنامه ایران: شنیدیم که اجرای علنی حکم شلاق یکی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان با

اعتراض جمعی از دانشجویان همراه شده است. حدود هزار نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد آشتیان در اعتراض به اجرای علنی حکم یکی از دانشجویان اقدام به تجمع کردند و طی ساعاتی در میدان مرکزی آشتیان تحصن کردند. دانشجویان این اقدام را هتک حیثیت دانشگاه و شکستن حریم دانشجویان قلمداد کرده و خواستار توقف این گونه احکام شدند. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان نیز با حضور در جمع دانشجویان متحصن گفته است با حکم صادره مخالفتی نداریم ولی به نحوه اجرای آن معترضیم. وی گفته است تلاش کرده است که این حکم علنی اجرا نشود ولی ترتیب اثر داده نشده است. این تجمع عصر دیروز با دخالت مسئولین شهر و به آرامی خاتمه یافته است.

اعتراض به ممانعت

آموزش و پرورش

تهران از مصاحبه

معلمان با مطبوعات

۲ خرداد: روزنامه کیهان: رئیس سازمان آموزش و پرورش شهر تهران در بخشنامه‌ای، معلمان و مدیران مدارس را از مصاحبه با مطبوعات و یا ارسال نوشته برای روزنامه‌ها بدون کسب مجوز کتبی از روابط عمومی این سازمان، برحذر داشته است. خانه معلمان ایران در بیانیه‌ای با اعتراض به این بخشنامه، که به امضای جوهری پور رسیده است، آن را به دستورات حکومتی‌های دیکتاتوری و قرون وسطایی تشبیه کرده است در این اطلاعیه خانه معلمان ایران ضمن محکوم کردن این گونه اقدامهای نابخردانه، خواستار عذرخواهی سریع رئیس سازمان آموزش و پرورش تهران از فرهنگیان شده است.

گزارش سازمان عفو

بین الملل در مورد نقض

حقوق بشر در ایران

۲۵ خرداد: رادیو المان: سازمان عفو بین الملل گزارش سالانه خود در باره ایران را منتشر کرده است. این گزارش به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۰۱ میلادی می‌پردازد. به گزارش این سازمان مدافع حقوق بشر در دوره یاد شده مخالفان سیاسی بسیاری و در آن میان مخالفان سیاسی که دست به خشونت نزده‌اند دستگیر شده‌اند. دست کم ۱۳۹ نفر اعدام شده‌اند که یک تن از آنها پسری نابالغ بوده است. بسیاری از این اعدام‌ها در ملاء عام صورت گرفته است.

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره‌ی

به هزار سال مبارزه فرهنگی

(۲۸)

-- اسماعیل وفا ینمای

ب - سلسله سلجوقیان عراق و کردستان

۵۱۱ - ۵۹۰ هجری ، ۱۱۱۷ - ۱۱۹۴ میلادی

- ۱- محمود ابن ملکشاه، ۵۱۱-۵۲۵ هجری
 - ۲- داوود ابن محمود، ۵۲۵-۵۲۶ هجری
 - ۳- طغرل ابن محمد، ۵۲۶-۵۲۹ هجری
 - ۳- مسعود ابن محمد، ۵۲۹-۵۴۷ هجری
 - ۴- ملکشاه ثانی ابن سلطان محمود، ۵۴۷ هجری به مدت هفت ماه
 - ۵- سلطان محمد ثانی ابن سلطان محمود، ۵۴۷-۵۵۴ هجری
 - ۶- سلیمان شاه ابن سلطان محمد، ۵۵۴-۵۵۶ هجری
 - ۷- ارسلان ابن طغرل ثانی، ۵۵۶-۵۷۱ هجری
 - ۸- طغرل سوم ابن ارسلان شاه، ۵۷۱-۵۹۰ هجری
- سلجوقیان عراق و کردستان از بازماندگان محمد ابن ملکشاه سلجوقی بودند.

ج - سلسله سلجوقیان کرمان

۴۳۳ - ۵۸۳ هجری ، ۱۰۴۲ - ۱۱۸۷ میلادی

- ۱- قاورت
 - ۲- سلطان شاه
 - ۳- تورانشاه
 - ۴- امیرانشاه
 - ۵- ارسلان شاه
 - ۴- معین الدین
 - ۵- محمد ابن بهرام شاه
- سلجوقیان کرمان از فرزندان قاورت ابن جغری بیک بودند که تا سال ۵۸۳ هجری بر کرمان حکومت کردند.

د - سلجوقیان روم و ارزنه الروم

تاسال ۷۰۰ هجری ، ۱۳۰۱ میلادی

سلجوقیان روم از فرزندان سلیمان ابن قتلش ابن ارسلان بیغو ابن سلجوق بودند که تا سال ۷۰۰ هجری حکومت کردند. سلجوقیان ارزنه الروم شاخه ای از سلجوقیان روم بودند که در ارزنه الروم حکومت می کردند.

ه - سلجوقیان شام

تا سال ۵۱۱ هجری ، ۱۱۱۷ میلادی

سلجوقیان شام از فرزندان تنش ابن الب ارسلان بودند که تا سال ۵۱۱ هجری در شام زمام حکومت را در دست داشتند .

در باره سلجوقیان

سلجوقیان از نژاد ترکان کوچ نشین و جنگجو و زرد پوست اورال و آلتایی غیر ایرانی و شاخه ای از قبایل جنگجوی غز و خزربودند و در اساس در دشت قرقیز ساکن بودند. اینان در اواسط دوره سامانی و وقتی ایلک خانیان قدرت یافتند و قدرت سامانیان تضعیف شد به ماوراءالنهر و خراسان آمدند و همراه باضعف دولت غزنوی قسمت بزرگی از آسیا را تحت تسلط خود درآورده و امپراطوری عظیمی را بنا نهادند که از آغاز دوران اسلامی در ایران ، از لحاظ وسعت بزرگترین بود. سلجوقیان در زمان سلجوق ابن دقاق اسلام آوردند. سلجوقیان نیز چون غزنویان برای اداره مملکت مجبور شدند به عنصر ایرانی تکیه کنند. با مرگ سنجر امپراطوری عظیم سلجوقیان تجزیه گردید و سلسله های سلجوقیان کرمان ، عراق و کردستان، روم، ارزنه الروم ، و شام به وجود آمدند. اینان معاصران خلفای بیست و پنجم تا سی و سوم عباسی بوده و در مذهب متعصب بودند و هم حکومت رسمی و هم به جانشینی خلیفه وقت زمام حکومت شرعی را در دست داشتند. شعار «السلطان ظل الله» یا «شاه سایه خداست» از زمان سلجوقیان شیوع یافت. دوران سلجوقیان دوران تضادهای فتوادلهای قدیمی با فتوادلهای جدید - شاهان ، شاهزادگان و امیران سلجوقی - است. در دوره سلجوقیان فعالیت های اسماعیلیان و فدائیان اسماعیلی اوجی عجیب گرفت و پس از سال ۴۸۷ هجری . ۱۰۹۴ میلادی اسماعیلیان ایران به رهبری حسن صباح که به نام «شیخ الجبل» یا «پیر کوهستان» معروف بود اعلام استقلال کردند و نفوذ گسترده خود و عملیات مرگبار فدائیان از جان گذشته خواب و آرام از چشمان شاهان و بزرگان و خلفا ربودند . هشت سلطان و خلیفه و اتابک ، شش وزیر، هفده امیر و والی، شش رئیس و حاکم شهر، سیزده قاضی و پیشوای مذهبی و شمار قابل توجهی از امیران لشکری به صرب خنجرهای مرگبار فدائیان اسماعیلی از پای در آمدند.

کشتارهای وحشتناک اسماعیلیان و هواداران آنان توسط حکومت ، عکس العمل و پاسخ به فعالیت های مرگبار فدائیان اسماعیلی بود. قتل عام های هولناک سالهای ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۱۸ و

۵۲۱ هجری وساختن مناره از سرهای بریده شده اسماعیلیان نمونه هایی از این کشتارهاست که در اسناد تاریخی ثبت شده است. شدت کینه پادشاهان سلجوقی نسبت به فدائیان اسماعیلی به حدی بود که محمد شاه سلجوقی به برادرش سنجر وصیت کرد که هر وقت یک فرد اسماعیلی را می کشند خاک آن موضع را بیاورند و بر گوراو بیفشانند تا محمد شاه احساس خشنودی کند. به اعتقاد برخی از محققان، در این دوران تحول و تغییر جنبش اسماعیلیان از یک جنبش مردمی به سازمانی که توسط فئودالهای مخالف حکومت به کار گرفته می شد قابل توجه است.

پایتخت سلجوقیان شهرهای اصفهان ، همدان و مرو بود و نظام الملک طوسی وزیر و سیاستمدار دانشمند و فتودال قدرتمند و تیز هوش ایرانی از چهره های برجسته دوران سلجوقی است . نکته قابل توجه دیگر در دوران سلجوقیان وقوع جنگهای صلیبی اول و کشته شدن دهها هزار مسلمان، مسیحی و یهودی در این جنگهاست .

سلسله های کوچک معاصر با سلجوقیان

تجزیه دولت قدرتمند سلجوقی تنها باعث ایجاد سلسله های سلجوقیان کرمان ، عراق و کردستان ، و... نشد بلکه باعث گردید در گوشه و کنار قلمرو پهناور دولت سلجوقی حکومت های ریز و درشت و در هر گوشه سلسله ای تشکیل شود . کنکاش در اوضاع پایان دوران سلجوقی مارا بیشتر با وضعیت زندگی مردم و آینده ای که با سلسله خوارزمشاهیان و سپس هجوم مغولان از راه می رسد آشنا می کند . برخی از سلسله هایی که همزمان با شروع تجزیه دولت سلجوقی یا به موازت آن وجود داشته اند عبارتند از:

۱ - سلسله امیران ترک دانشمندیه

اینان از فرزندان گمشدگان این دانشمندی بودند و در قسمتی از آسیای صغیر، سیواس ، قیساریه، و ملاطیه تا سال ۵۶۰ هجری برابر با ۱۱۶۵ میلادی حکومت داشتند.

۲ - غزان خراسان

اینان به دلیل ضعف دولت سلجوقی خراسان را در معرض تاخت و تاز قرار

داده و در برخی اوقات تحت سلطه داشتند.

۳ - حکومت غلامان و امیران سنجری در خراسان

اینان شماری از غلامان و امیران مانند طغرل تکین و مؤید الدین ابه بودند که مدتها در خراسان حکومت کردند.

۴ - اتابکان دمشق یا آل بوری

اینان فرزندان طغتكین سلجوقی بودند که تا سال ۵۴۹ هجری ، ۱۱۵۴ میلادی حکومت کردند.

۵ - اتابکان الجزیره و شام

اینان از فرزندان عماد الدین زنگی پسر آق سقر حاجب ملک شاه سلجوقی بودند که تا حدود حمله مغول سلطنت کردند و خود به شاخه های اتابکان موصل ، اتابکان شام، اتابکان سنجارو اتابکان الجزیره منشعب شدند.

۶ - اتابکان اربل

اینان فرزندان زین الدین علی ابن بگتکین بودند و تا سال ۶۳۰ هجری برابر با ۱۲۳۳ میلادی حکومت کردند.

۷ - اتابکان ارتقی

اتابکان ارتقی از فرزندان ارتقی ابن اکتب بودند که تا سال ۷۱۲ هجری برابر با ۱۳۱۲ میلادی در دیار بکر حکومت کردند.

۸ - اتابکان اذر بایجان

۵۲۱ - ۶۲۶ هجری ، ۱۱۲۷ - ۱۲۲۹ میلادی

اینان از فرزندان شمس الدین ایلدگربودند که از سال ۵۲۱ تا سال ۶۲۶ هجری زمام قدرت را در دست داشتند. امیران سلسله اتابکان آذربایجان عبارتند از:

۱- اتابک شمس الدین ایلدگزر، ۵۴۱ - ۵۶۸ هجری ، اواعتنایی به سلاطین سلجوقی نداشت ، ری و اصفهان را فتح کرد و اران و آذربایجان شمالی را از گرجیان باز پس گرفت.

۲- اتابک محمد جهان پهلوان ابن ایلدگزر ۵۶۸ - ۵۸۳ هجری . او به خوبی سرزمینهای وسیع تحت امر طغرل سلجوقی را به عنوان اتابک نظم و نظام داد.

بقیه در صفحه ۱۵

ادبیات ایران ...

بقیه از صفحه ۱۴

۳- قزل ارسلان ابن ایلدگز ۵۸۲ - ۵۸۷ هجری . او با طغرل سلجوقی اختلاف پیدا کرده و او را به زندان افکند ولی شیبی او را در بسترش کشته یافتند .

۴- اتابک ابوبکر محمد ابن جهان پهلوان ، ۵۸۷ - ۶۰۷ هجری . شب و روز این اتابک به مستی و عشرت می گذشت و در دوران او، زنی به نام تامارا که حکومت گرجستان را در دست داشت با سپاهیان خود و همراه با لشکریان شروانشاه سیاه او را شکست داده و مردم زیادی را کشتار کردند .

۵- اتابک مظفرالدین اوزبک ۶۰۷ - ۶۲۲ هجری . او روزگار را به عیش و عشرت و مستی می گذرانید و تضاد اصلی در روزگار او مغولان و گرجیان بودند . او در سال ۶۲۲ هجری از مقابل سپاهیان سلطان جلال الدین خوارزمشاه گریخت و چون اندک زمانی بعد جلال الدین همسر زیبای او را به حرم خود برد ، اتابک مظفرالدین از فرط اندوه دق کرد و مرد .

۷- اتابک خاموش قزل ارسلان ابن اوزبک ۶۲۲ - ۶۲۶ هجری . اتابک خاموش فرزند کرولال اتابک مظفرالدین اوزبک بود و به علت کور و لال بودن او را اتابک خاموش می نامیدند . او در اساس حلقه اطاعت جلال الدین خوارزمشاه را در گوش داشت . اتابک خاموش در سال ۶۲۶ هجری در الموت در گذشت .

جلال الدین خوارزمشاه که اشتهای سیری ناپذیری نسبت به زنان زیبا داشت همسر او را نیز مانند همسر پدرش به حرمسرای خود برد و روزگار سلسله اتابکان آذربایجان به این ترتیب به پایان رسید .

۹- سلسله شدادیان

اینان از اعقاب منوچهر ابن شاورر ابن فضلون بودند که بر ارمنستان حاکم بودند .

۱۰- شاهان ارمنیه

اینان از فرزندان سکمان قطبی بودند که تا سال ۶۰۴ هجری برابر با ۱۲۰۸ میلادی پادشاهی داشتند .

۱۱- سلسله شیبانیان

اینان از اولاد ابو دلف شیبانی بودند که بر اران مسلط بودند .

۱۲- صباحیان یا

اسماعیلیان

اینان جانشینان حسن صباح بودند که شماری از دژهای البرز و جنوب خراسان را در دست داشتند .

۱۳- شهریاران آل باوند

معاصر بایخشی از دوران سلجوقیان دومین گروه شهریاران آل باوند شامل اسپهبد نصره الدوله، اسپهبد علاءالدوله ، اسپهبد حسام الدوله، اسپهبد شمس الملوک از سالهای ۵۳۳ تا ۶۰۶ هجری برابر با ۱۱۳۹ تا ۱۲۱۰ میلادی بر گیلان و طبرستان و قومس حکم راندند .

۱۴- سلسله شروانشاهان

(سلسله دوم)

منوچهر ابن یزید، ابو منصور علی ابن یزید، قباد ابن یزید ، بخت النصر علی ابن فلان ابن یزید، سالار ابن یزید، فریبرز ابن سالار و فریدون ابن فریبرز از سال ۴۱۸ تا ۵۲۵ هجری برابر با ۱۰۲۷ تا ۱۱۳۱ میلادی زمام قدرت را در دست داشتند ، سلسله دوم شروانشاهان در منطقه شماخی حکومت می کردند و از خراجگزاران دولت سلجوقی بودند .

۱۵- سلسله احمدیلیان

اینان از اوایل قرن ششم هجری در قسمت غربی آذربایجان حکومت میکردند و چون جدشان احمد یل نام داشت به نام احمد یلیان مشهور بودند . تبریز ، مراغه و قلعه مستحکم رویین دز تحت سلطه اینان بود . سال ۶۰۵ هجری برابر با ۱۲۰۹ میلادی سال پایان کار احمد یلیان به دست اتابکان آذربایجان است . (ادامه دارد)

«الا یا ایها الساقی»

«الا یا ایها الساقی ، ادرکاسا و ناولها» (۱)
که عشق آمد مرا ز اول ، کلید حل مشکها
بیوس ای لولی مَهوش لب ساغر و زان آتش
بده جامی که برخیزد ، دل از غمها غم از دلها
چه سازی ای غم مسکین ، تو با این دل که شاد و خوش
ز رنج دیگران دارد ، به دوش خود حمایلها
رهی دیرست و دور اما ، جَرس مستانه می خواند
زمنزلهها به مقصدها ، زمقصدها به منزلها
مرا مقصود از مقصد ، سفر اندر سفر باشد
رود این کاروان هرچند ، بجا مانند محملها
در افکن شوری ای مطرب حدیث عشق را کاید
برون این پنه غفلت ، زگوش جان غافلها
لب جام و لب ساقی ، جنونی در دلم افکند
که بگسستم ز پای دل ، قیود جهل عاقلها
کمان ابروان یار ، خم است و طاق آن محراب
تو و محراب مسجدها ، من و محراب مایلهها
چه جای بیم از دوزخ ، در این درگه که می روید
ز خاک عاشق صادق ، به هر دشتی گل از گلها
بهشت آزادی جا نست ، مرا ده ای خدا ور نه
نخواهم طوبی و جنت ، بده آن را به سائلها
سر ما خم نمی آید ، نه با کفر و نه با ایمان
مترسان زآنکه از رازم ، سخن گوئی به محفلها
به کفر آورده ام ایمان ، به شهری کاندر آن دیدم
ز ایمان خلق را بر دل ، هزاران گونه حائلها
زایمان و ز نور آن ، سخن گویند و می بینم
چراغی روشن ازو ایمان ، میان جمع جاهلها
ندارم شکوه ای بر لب ، من از خیل سبکبالان
که حال ما نمی داند ، کسی در جمع غافلها
مرا گر حسرتی باشد ، از آن باشد که دورم من
ز توفانها و نزدیکم ، در این دریا به ساحلها
چو از خود نیز بگذشتی ، «وفا» دیگر مخوان حتی
به توفانی که می آید تو اللهم سهلها (۲)

اسماعیل وفا یغمائی

۲۷ ژوئن ۲۰۰۲

۱- مصرع برگرفته شده از نخستین غزل دیوان حافظ «ای ساقی جام شراب را به گردش آور تا بنوشیم آنرا»
۲-آیا مشدد خواندن حرف هـ در اللهم و نخستین هـ در سهلهابه معنای پرودگارا آسان گردان

از میان مطالب رسیده
برای نبرد خلق

به یاد رفیق

ارنستو چه گوارا

انقلابیانی که به مشی مسلحانه اعتقاد دارند و هر آن کس که علیه استثمار می‌جنگد، قرار داد، که اهم آن به قرار زیر است:
زدودن ناسیونالیسم و اعتقاد به انترناسیونالیسم؛
فرا تر از بحث‌های فلسفی، اگر



--عبدالستار جهانگیری

در مبارزه‌های هدف مشترک و اساسی نفی استثمار وجود داشته باشد، باید بی درنگ به آن پیوست؛
گذشتن از خانواده در راستای هدف انسانی بزرگتر؛
گذاشتن از جاه مقام، از ریاست بانک مرکزی و وزارت صنایع کوبا دست کشید و در راستای پیکار جهانی رو به سوی بلیوی نهاد، او استاد انتقاد و انتقاد از خود بود. این امر نه فقط در سراسر نوشته‌هایش به چشم می‌خورد، بلکه در بیان ضعف‌هایش در اداره اقتصاد کوبا و گذاشتن آن در معرض دید همگان، نیز مشهود است.

بی دلیل نیست که ژان پل سارتر در مورد او نوشت: او «کاملترین انسان عصر خویش» است.
اگر بجواییم چه گوارا را به عنوان الگوی یک انقلابی کمونیست، برای نسل در حال جنگ با دیکتاتوری مذهب‌محور حاکم بر میهنمان معرفی کنیم، باید گفت: راه او در کلمات سارتر از خودگذشتگی با آگاهی در راه آرمان خلاصه می‌شود. فدا کردن خود برای رهاسازی نوع انسان. راه او پر رهرو باد.

به یاد صمد بهرنگی دوست

به یاد ماندنی بچه‌ها



آزاد نهاد و در قلبها جاودانه گردید.

م. وحیدی
نویسنده در دانشنا، معلم
اواره روستاها، با
کوله‌باری از اندیشه‌های
خلاق برای بچه‌ها،
مظهر تعهد، شرافت و
انسانیت؛ ماهی سیاه
کوچولو و شجاعی که از
برکه‌های تنگ و تاریک،
رو به دریاها می‌روشن و

۳۴ سال از خاموشی صمد بهرنگی می‌گذرد. او در یکی از سیاه‌ترین دوره‌های تاریخ میهنمان پا به عرصه وجود گذاشت و پس از چندی، در غنوفان جوانی به آبهای ارس به دریا پیوست. با رفتن او بچه‌ها معلمی دلسوز و مهربان، جامعه فرهنگی، روشنفکر متعهد و انقلابی و ادیبی ایران، محقق و قصه‌نویس نواور را از دست داد. صمد، از بچه‌ها شروع کرد، از آنها که هنوز به «نام و نان» آلوده نشده‌اند و می‌توان به آنها تکیه کرد و امید بست. او با پایه گذاشتن ادبیاتی پویا و انقلابی، ستهای کهنه و عقب‌مانده حاکم بر ادبیات کودکان را در هم شکست و پنجره‌های نوین را در این راه گشود و نامی پایدار از خود بر جای گذاشت.

قصه‌های او، چون خود او و زندگی‌اش، ساده و بی‌الایش است. به طوری که خلیها پس از او قلم در دست گرفتند و شروع به نوشتن کردند. صمد، ضمن انعکاس فریاد دردها و اعتراض محروم‌ترین طبقات جامعه علیه ستم زمانه، در نوشته‌هایش، درس فداکاری و از خودگذشتگی می‌آموخت و آموزش می‌داد.

در قصه «ماهی سیاه کوچولو» ماهی سیاه، با فدا کردن جان خود، راه را برای دیگران هموار می‌کند. در «افسانه محبت» گل لاله، با پر شدن گلبرگ‌هایش، باعث باروری و رویش و زندگی هزاران لاله در سرتاسر دشت می‌گردد. صمد، برای مبارزه با ستم و سیاهی، راه مبارزه قهرآمیز را تصویر و ترسیم می‌کند. در قصه ماهی سیاه کوچولو، او با دادن خنجر به ماهی سیاه، وی را به مصادف با «مرغ ماهیخوار» می‌کشاند و به این ترتیب، علیه «بی‌عملی و انفعال» که با می‌خیزد و به همه مدعیانی که نمی‌خواهند بهای «حرکت و عمل» خود را بپردازند و صرفاً به بحث‌های روشنفکری دلخوش کرده‌اند درس شجاعت، ایستادگی، مبارزه و عمل می‌دهد.

از صمد قصه‌ها، مجموعه مقاله‌ها، ترجمه‌ها و یادداشت‌های پراکنده زیادی به جا مانده است که همه آنها جزئی از تاریخ گرانقدر ادبیات پارسی به شمار می‌روند. از قصه‌های او می‌توان «اولدوز و کلاغ‌ها»، «کچل کفترباز»، «پسرک لب‌فروش»، «یک هلو، هزارهلو»، «افسانه محبت»، «۲۴ ساعت در خواب و بیداری»، «الدوز و عروسک سخنگو» و ... و «ماهی سیاه کوچولو» را نام برد. کتاب ماهی سیاه کوچولو، یک سال پس از مرگ صمد، برنده جایزه ادبی (بولون) ایتالیا شد.

جمع‌آوری «افسانه‌های آذربایجان» در زمینه فولکلور و شعر (با بهروز دهقانی)، «الفبای فارسی برای کودکان آذربایجان»، «کندو کاو در مسایل تربیتی ایران» و ترجمه چند کتاب و شعر از شاعران و نویسندگان، از دیگر کارهای ارزشمند او به شمار می‌آیند. با همه اینها، شاهکار صمد، هیچ کدام از آثار یا نوشته‌های او نبود، بلکه به قول زنده یاد، غلامحسین ساعدی، «شاهکار صمد، زندگی‌اش بود». یادش گرامی باد.

هم چنین مطلبی با عنوان «وضعیت اجتماعی و اقتصادی آذربایجان در جمهوریهای از هم گسیخته اتحاد جماهیر شوروی سابق» از طرف رفقای باکو رسیده است، که در فرصتی مناسب از آن استفاده می‌شود.

اعتراض نویسندگان

و هنرمندان

بقیه از صفحه ۶

این مورد حتی همستگی صنفی نیز ایجاد می‌کرد که از نمایش آزادی و تحمل جمهوری اسلام در خارج صرف نظر می‌کردند. اقدام هنرمندان هر چه بیشتر صف ارتجاع و دمکراسی را از هم جدا می‌کند این صرف نظر از این که چه تفاوت‌های فکری یا نظری و یا کدام درجه اتفاق نظر وجود داشته باشد، است. هر ایرانی در دفاع از دمکراسی و مبارزه برای دمکراسی به سهم خود دارای نقش می‌باشد. لازمه دفاع از دمکراسی الزاماً در دست داشتن کارت عضویت یا اعتقادات همگون ایدئولوژیک نیست.

اقدام اتحادیه اروپا برای ایرانیان از این جنبه دارای اهمیت است که حق مبارزه علیه جمهوری اسلامی را از آنان سلب می‌کند. این حقیقت است که به طور کلی از جامعه ایرانیان خارج از کشور گرفته شده است تا نتوانند علیه شرایطی که آنان را ناچار به ترک کشور خود کرده اند، به اعتراض و مبارزه برخیزند. پیام اتحادیه اروپا به ایرانیان این است که تا زمانی حقوق دمکراتیک شامل حال آنان می‌شود که شرکای تجاری و متحدان سیاسی دولتهای عضو این اتحادیه - از هر قماش - با آن موافق باشند. پاسخ نویسندگان و هنرمندان ایرانی به اتحادیه اروپا بیانگر رشد و ارتقاء مبارزات مردم ایران از یک سو و از سوی دیگر توجه روزافزون به الزامات و پیش شرط‌های تقویت و پشتیبانی از آن است. این بیانیه اعتراضی یک درک چند جانبه نگر از خواسته‌ها و نیازهای بنیادی جامعه و بخش‌های متشکل آنرا بازتاب می‌دهد. بی‌شک در این گستره و در امر مبارزه با رژیم، همستگی و یکپارچگی ضرورتی چشم‌نابویشدنی است.

مبارزه با تروریسم، ابزاری برای سرکوب در دست دولتها

سارا. ب

آنان که حقیقت را نمی دانند ابله‌اند، آنان که حقیقت را می دانند اما آن را کتمان می کنند، تب‌هکارند. (برشت)

تهاجم وحشیانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش به افغانستان و دست زدن به هر جنابیتی که در حقیقت چیزی جز تسلط بر منابع انرژی و ایجاد پایگاههای دائمی نظامی نبود و چراغ سبز نشان دادن به دولت شارون برای سرکوب مردم فلسطین از یک طرف و بردن نام سازمان مجاهدین خلق ایران توسط دولت آمریکا و در امتداد آن توسط اتحاد مشترک اروپا در لیست سازمانهای تروریستی همگی زیر لوای "مبارزه با تروریسم" نه تنها دستبرد به دستاوردهای بشری در راستای احقاقی دموکراسی و عدالت اجتماعی در مقابل نظام های استبدادی است بلکه نشاندهنده طرح جدیدی برای غارتگری مردم جهان توسط سرمایه داری جهانی است.

حکایت جالب اینجاست که اکنون انواع و اقسام رژیمهای ریز و درشت سرمایه داری اعم از مدرن و غیر مدرن، آزاد و توسعه یافته و در راه توسعه همه و همه یکصدا داعیه دار مبارزه با تروریسم گشته اند، برابستی این تروریسم چگونه پدیده ای است که قادر است اینچنین وحدت نظری بین مخالفین خویش ایجاد کند و جریانات مختلف سیاسی طبقاتی با منافع مختلف و گاه متضاد را وارد اتحاد عمل کند!!!

امروز همه دولتها که با مخالفین خود مشکل دارند به صحنه آمده اند و تحت عنوان "مبارزه با تروریسم" سعی در سرکوب آنان دارند، اسرائیلی ها با فلسطینیها، آمریکاییها با شرکای سابق خود خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی نیز خود را قربانی تروریسم می دانند!!!

جهان غارتگر سرمایه در راستای گسترش حیطه غارت و چپاول مردم جهان که خود نام "نظم نوین سرمایه" بدان داده است در طرحی گسترده قصد دارد به حیات کلیه جنبشهای آزادیبخش و مبارزات استقلال طلبانه و ضد جهانی شدن سرمایه، تحت عنوان "مبارزه بین المللی با تروریسم" پایان دهد.

آنان قصد دارند در یک اقدام مشترک با تقویت نظامهای استبدادی در سطح جهان، مدیریت اقتصادی جهان را از طریق صندوق بین الملل

پول و بانک جهانی و هفت کشور صنعتی جهان اعمال کرده و میلیاردها انسانی را که هم اکنون در آسیا و دیگر نقاط جهان از آب اشامیدنی سالم، غذای حداقل و بهداشت و آموزش ابتدائی محرومند بیشتر از پیش از هستی ساقط کنند، در راستای این طرح با حضور آشکار خود در سطح جهان در برابر هر گونه تعرضی از جانب نیروهای مترقی، جنبش های آزادیبخش و نهضت های مردمی و ملی الزامی خواهد گردید و در راه رسیدن به این اهداف از زدن هیچ جنایت و انگ و مارکی به سازمانهای رهائیبخش ابائی ندارند.

البته واقعه یازده سپتامبر بسیاری از دستچینهای نظری سرمایه داری در عرصه های مختلف را در هم ریخت و نقاب از چهره کریه نظام مبتنی بر سرمایه را در برابر انظار چشم جهانیان برداشت و ماهیت اصلی آنان را بر ملا ساخت و نشان داد که مفاهیم حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و احترام به حقوق ملتها و بسیاری مفاهیم دیگر تنها ابزاری در دست سرمایه داری برای غارت جهان و تثبیت قدرت خود برای تسلط هر چه بیشتر بر جهان است.

دولتهای عضو اتحاد مشترک اروپا به خوبی می دانند که بردن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست سازمانهای تروریستی یک معامله شرم آور با رژیم جنایتکار حاکم بر سر عالیترین مطالبات مردم میهنمان ایران و به معنای مهر تأیید زدن بر تمام جنایتهای رژیم مبتنی بر ولایت فقیه، اعدام، شکنجه، سنگسار و... نیست. تمام سازمانهای مترقی جهان نیز متوجه اند که این اولین بار در تاریخ بشری نیست که سرمایه داری جهانی برای رسیدن به منافع خود و حل بحرانهای اقتصادی با زدن بر چسبهای همچون کمونیسم، خشونت و امروز "تروریسم" به چنین اقدامات ننگینی دست می زند. با توجه به سلطه ویرانگر سرمایه های جهانی و جهان گستری این سرمایه ها در دو دهه اخیر و نابودی اقتصادی میهنمان و بخشهای وسیعی از جهان، فقر و گرسنگی انسانهای زحمتکش جهان، نابودی محیط زیست و... تشدید پیدا کرده است بنابراین نباید به اینان اجازه دهیم که با تبلیغ و راه انداختن هیاهو و گل آلود کردن آب به قلع و قمع مدافعین حقوق خلقها و جنبش های عدالتخواهانه و آزادیبخش تحت عنوان مبارزه با "تروریسم" بپردازند.

امپریالیسم و جهانی شدن

(۲ - قسمت آخر)

نویسنده سمیر امین
ترجمه: ب. محله

مقاله حاضر سخنرانی سمیر امین در اجلاس جهانی جنبشهای اجتماعی در پورتوآلگره در ژانویه ۲۰۰۱ است که به نوشتار در آمده و اولین بار در ماهنامه مانلی ریو در ژوئن ۲۰۰۱ چاپ شده است.

فکر می کنم که این مطلب باید تاکنون روشن شده باشد که میان (۱) کارکرد رابطه میان لیبرالیسم آرمانگرا و مدیریت پراگماتیک در سرمایه داری تاریخی از یک سو؛ و (۲) کارکرد رابطه میان گفتمان ایدئولوژیک سوسیالیستی و مدیریت واقعی در جامعه شوروی، بر خلاف آن چه که در ظاهر امر انتظار می رود، به جای تناقض شباهت وجود دارد. ایدئولوژی سوسیالیستی مورد بحث من بلشویسم است که در پیروی ایدئولوژی سوسیال دموکراسی پیش از ۱۹۱۴ اروپا، هیچ گناه منطق همگرایی «طبیعی» حاکم بر حوزه های مختلف حیات اجتماعی را به چالش نطیبد، و با ارایه «درکی» ساده سازه مسیر «جبری» تاریخ را به طور خطی تفسیر نمود. تردیدی نیست که این یک نوع برداشت از مارکسیسم تاریخی است، اما به هیچ روی تنها درک ممکن از مارکس نیست (و به هر روی، لاقبل استنباط من نمی تواند باشد). همگرایی مزبور در این جا نیز به همان شکل بیان می شود: مدیریت اقتصاد توسط برنامه (که جای بازار را گرفته است) بی تردید به نیازهای موجود پاسخ خواهد گفت. دموکراسی تنها می تواند تصمیمهای گرفته شده در برنامه را تحکیم نماید، و مخالفت با اینها نیز امری غیر منطقی است. اما در این جا نیز سوسیالیسم تخیلی با خواسته های مدیریت سوسیالیسم واقعا موجود مواجه می شود که با مشکلات جدی و واقعی روبروست؛ که از آن جمله می توان به مسأله رشد نیروهای مولد برای «جبران عقب ماندگیها» اشاره نمود. برای دست یافتن به این مقصود، قدرتهای موجود دست به اعمالی می زنند که نمی تواند مورد قبول قرار گیرد. توتالیتراریسم وجه مشترک هر دو سیستم است که در دروغ گویی سیستماتیک بارز می شود. حال اگر اعمال توتالیتراریسم در اتحاد شوروی به شکلی عریان تر و خشن تر بود، این به سبب عقب ماندگی شدید جامعه شوروی بود که غلبه بر آن امر دشواری بود؛ در حالی که پیشرفتی که در غرب حاصل شده بود به آن جوامع فرصت نفس کشیدن را می داد (و از همین روست که شاهد توتالیتراریسم «ترم» جوامع مصرفی دوران پس از جنگ هستیم).

رها ساختن تر همگرایی و پذیرش این نکته که میان منطق حاکم بر حوزه های گوناگون حیات اجتماعی تضاد فائق است، پیش نیاز تفسیر تاریخ به آن شیوه ای است که پتانسیل ایجاد آشتی میان تنوری و عمل را خواهد داشت. رها ساختن این تز، هم چنین، برای طراحی استراتژیهای که امکان اقدام واقعا مؤثر را فراهم سازد ضروری است - به این مفهوم که پیشرفت را در همه پهنه های حیات اجتماعی ممکن سازد.

حرفهای بی سر و ته و صد تا یک غاز مدافعان ایدئولوژی حاکم هیچ گونه سختی با رابطه تنگاتنگ و جدایی ناپذیر میان توسعه اجتماعی واقعی و دموکراتیزاسیون ندارد. اندیشه آنان همواره دست دوم، مخدوش، مهم، و در نهایت، بر خلاف آن چه که بعضاً ممکن است در ظاهر جلوه کند، عمیقاً ارجاعی است. بنابراین بی دلیل نیست که این رابطه به ابزاری مناسب در دست سرمایه مسلط تبدیل شده است.

دموکراسی ضرورتاً ایده ای است جهانشمول و این دیدگاه اساسی هیچ گونه عقب گردی را بر نمی تابد. اما گفتمان مسلط، حتا آن که سرچشمه اش نیروهایی است که در حرف خود را «در موضع چپ» طبقه بندی می کنند، چنان ترجمان تکه تکه ای شده ای از دموکراسی ارایه می دهد که در نهایت وحدت نوع بشر را به نفع «تزااد»، «ملت»، «فرهنگ» و نظایر آن قربانی می نماید. سیاست هویتی انگلوساکسون، که در یک کلام «کمونه گرایی» (۵) خوانده می شود، نمونه ای آشکار در نفی تساوی واقعی انسانهاست. خواست خام سرانه «توسعه کمونتهای»، حتا اگر با بهترین نیات نیز همراه باشد، چیزی به جز زندانی نمودن افراد در چارچوب تنگ جوامع خودشان (کمونتهای) و محدود نمودن خود این جوامع در سلسله مراتبی آهنین که از سوی سیستم تحمیل می شود نیست. (برای نمونه باید از هند غربیها (۶) در حومه لندن، آفریقای شمالیها در فرانسه، و یا سیاهان در آمریکا نام برد). در واقع این را نمی توان چیزی جز اپارتاید اعلام شده نامید.

استدلالی که از سوی مدافعان مدل «توسعه کمونتهای» ارایه می شود ظاهراً هم پراگماتیک است (به این معنا که «باید برای خلع ید شدگان و قربانیانی که در این جوامع گرد آمده اند کاری انجام داد») و هم دموکراتیک («خود این کمونتهای می خواهند که به این شکل بمانند»). از سوی دیگر، شکی نیست که تمامی حرفهای جهانشمول تاکنون صرفاً در حد حرف باقی مانده است، و هیچ گاه نیز در راستای استراتژی معینی فراخوان به اقدامی مؤثر برای تغییر جهان داده نشده است، فراخوانی که بی تردید به مفهوم

بقیه در صفحه ۱۸

امپریالیسم و جهانی شدن

بقیه از صفحه ۱۷

ارایه اشکال مشخصی از مبارزه علیه سرکوبگری است که علیه این و یا آن گروه مشخص اعمال می‌شود. اما سخن بر سر آن است که اگر سرکوب مورد نظر را در چارچوبی قرار دهیم که بتواند در آن چارچوب، حتی اگر شده به شکل ملامتی باز تکثیر شود، دیگر نمی‌توان آن را برانداخت. احساس تعاقبی که اعضای یک کمونته ستمدیده ممکن است نسبت به فرهنگ ستمگری خود داشته باشند، به همان اندازه که ممکن است ما نسبت به آن در انتزاع احترام بگذاریم، محصول بحران دموکراسی است. زیرا تأثیر، اعتبار و مشروعیت دموکراسی چنان بر باد رفته است که انسانها به این توهم که یک هویت ویژه ممکن است بتواند حفاظتشان کند دل خوش می‌کنند. آنگاه است که می‌بینیم که فرهنگ‌گرایی در دستور روز گنجانده می‌شود. فرهنگ‌گرایی به این معنا که گفته می‌شود که هر کدام از این کمونته‌ها (مذهبی، قومی، جنسیتی و غیره) ارزشهای کاهش‌ناپذیر (غیر جهانشمول) خود را دارند. فرهنگ‌گرایی، همان‌گونه که در جای دیگری نیز گفته‌ام، نه تنها مکمل دموکراسی و ابزاری برای پیاده نمودن آن نیست، بلکه بر عکس دقیقاً ضد دموکراتیک است.

جهانی کردن مبارزات اجتماعی: شرایط ضروری برای باز یافت توسعه

سناریوهایی که برای آینده متصور است به طور عمده به بینش فرد در رابطه میان گرایشهای عینی مستحکم و نوع واکنش مردم و نیروهای اجتماعی در قبال چالشی که آن گرایشها در پیش روی آنها می‌نهد وابسته است. بنابراین عنصری ذهنیتی و درویافت وجود دارد که نمی‌تواند حذف شود. بدین معنا که آینده از پیش برنامه‌ریزی شده و محصول ذهنیت خلاق، به قول کاستوریادس، (۷)، هنوز جای خود را در تاریخ واقعی حفظ نموده است.

پیش‌بینی اوضاع، به ویژه در دورانی نظیر دوران حاضر که تمامی مکانیسمهای ایدئولوژیک و سیاسی که حاکم بر رفتار بازیگران مختلف بود حذف شده است، امری به غایت دشوار است. با پایان یافتن دوره پس از جنگ جهانی دوم، ساختار حیات سیاسی نیز فرو ریخت. حیات سیاسی و مبارزه سیاسی به طور سنتی در چارچوب دولت‌هایی جریان می‌یابد که مشروعیتشان مورد تردید قرار نمی‌گیرد.

(مشروعیت حکومتها ممکن است به زیر سؤال برده شود، اما مشروعیت دولتها مورد تردید قرار نمی‌گیرد.) احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، و چند نهاد بزرگ دیگر - از جمله مجمع ملی کارفرمایان و محافلی که به زبان رسانه‌ها «طبقه سیاسی» نامیده می‌شوند - در پشت صحنه و در درون دولت ساختار اصلی سیستمی را تشکیل می‌دهند که زمانی در چارچوب آن ساختار حرکت‌های سیاسی، مبارزات اجتماعی و جریانهای ایدئولوژیک بروز می‌کرد. در حالی که امروز شاهد آن هستیم که تقریباً در همه جای جهان این نهادها کمابیش، اگر نه تمامی مشروعیت خویش، لاقلاً بخش بزرگی از آن را از دست داده‌اند. مردم «دیگر اعتمادی به آنها ندارند.» به جای آنها «جنبشهایی» از نوع دیگر در صحنه نمایان شده است؛ مانند جنبش سبزها، جنبش زنان، جنبشهای قومی و مذهبی، حرکت‌های دموکراسی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه و غیره. بنابراین، حیات سیاسی نوینی که با آن روبرو هستیم به شدت ناپایدار است. بررسی کنکرت رابطه میان این خواسته‌ها و جنبشهای مربوطه و هم چنین نقد رادیکال جامعه (مراد از جامعه سرمایه‌داری واقعاً موجود است) و مدیریت نولیبرال جهانی دارای ارزش بسیار است. زیرا برخی از این جنبشها آگاهانه نظم اجتماعی برنامه‌ریزی شده از سوی قدرتهای مسلط را رد می‌کنند - و یا آن که پتانسیل آن را دارند که در این مبارزه به طور فعال شرکت جویند. در حالی که دسته دیگر هیچ علاقه‌ای به این مبارزه نشان نداده و کاری به کار نظم اجتماعی موجود ندارند. صاحبان قدرت اینها را تشخیص می‌دهند، و قادرند که میان جنبشهای موجود اجتماعی فرق بگذارند. از این روست که می‌بینیم آنها، چه آشکارا و یا چه در نهان، برخی از این جنبشها را حمایت می‌کنند، در حالی که در مبارزه علیه برخی دیگر هیچ گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهند - این قانونی است که در حال حاضر بر حیات سیاسی نو و آشفته کنونی حاکم است. برای اداره جهان یک استراتژی جهانی وجود دارد. هدف این استراتژی تکه تکه کردن هر چه بیشتر نیروهایی است که دشمن بالقوه سیستم هستند. هر قدر تعداد انسولونینها، چچینها، کوزووها و کویتها بیشتر، بهتر است. این رابطه است که هر گونه فرصتی برای استفاده و یا حتی دستکاری کردن خواسته‌های این جنبشها بنا بر هویت هر کدامشان کاملاً متنظم شمرده می‌شود. بنا بر این، مسأله هویت - اعم از قومی، مذهبی و یا غیره - به یکی از مسائل عمده عصر ما بدل شده است.

اصل دموکراتیک بنیادینی که مبین احترام به گونه‌گونیهای واقعی (ملی، قومی، مذهبی، فرهنگی و ایدئولوژیک) است را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان زیر پا گذاشت. تنها با اتکاء به یک دموکراسی اصیل است که می‌توان چنین گوناگونیهای را تحمل نمود. زیرا در غیر این صورت، دموکراسی تنها به ابزاری تبدیل می‌شود که دشمن برای رسیدن به نیاتش از آن سود خواهد جست. متأسفانه، آن چه که تاکنون شاهد بوده‌ایم حاکی از کمبودی است که چپها در این زمینه غالباً به آن دچار بوده‌اند. البته نه همیشه، و بی تردید بسا کمتر از آن چیزی که امروزه از سوی محافل مشخص تکرار می‌شود. به عنوان یک نمونه شاید بتوان از یوگوسلاوی زمان تیتو نام برد که تقریباً مدتی از هم زیستی ملیتهای مختلف بر اساس حقوق برابر بود. اما، از سوی دیگر، هیچ تردیدی نیست که اوضاع به طور مثال در رومانی کاملاً بر عکس بود. جنبشهای رهاختن ملی در دوره بنیانگ (۸) به طور عمده در اتحاد گروههای قومی و مذهبی در مبارزه علیه دشمن امپریالیستی موفق بودند. بسیاری از طبقات حاکم در نسل اول از دولت‌های آفریقایی پس از استقلال واقعاً فراموشی بودند. اما شاید تنها تعداد اندکی توانستند به اداره دموکراتیک این گوناگونی دست یازیده و یا اگر چنین چیزی حاصل شده بود، به آن تداوم بخشند. گرایش ضعیف این رژیمها به دموکراسی در این زمینه نیز همان نتایج فلاکت‌باری را به بار آورد که در برخورد با دیگر مشکلات اجتماعی به دست آمده بود. نکته این جاست که حتی در خیلی از دموکراسیهای بورژوازی صاحب‌نام نیز مسأله گوناگونیهای قومی با مدیریت صحیح فاصله بسیار دارد. مثال روشن در این زمینه ایرلند شمالی است. به موازات پسرقت مدیریت دموکراتیک، اما، چند گونگی و فرهنگ‌گرایی در حال پیشرفت بوده است. در این جا منظوم از فرهنگ‌گرایی اشاره به این باور است که اختلافهای فرهنگی مورد نظر را «بنیادین» دانسته و به آنها در مقایسه با دیگر اختلافات، و از جمله اختلافات طبقاتی تقدم می‌دهد؛ و حتی گاهی گفته می‌شود که این اختلافها «فراتاریخی» اند. یا به عبارتی بر اساس نامتغیرهای تاریخی قرار دارند. (که این آخری غالباً با فرهنگ‌گرایی مذهبی همراه است که به آسانی به دامن فنتاسیم و تاریکاندیشی می‌غلطند.) به منظور گشودن گره کور این همه خواسته‌های رنگارنگ هویت بنیاد، می‌خواهم معیاری را ارائه کنم که به گمان کاملاً اساسی است. آن دسته از جنبشهایی که خواسته‌هایشان با مبارزه علیه استثمار اجتماعی و برای زمره نیروهای ترقیخواه قرار می‌گیرند. در مقابل، همه آنهاهایی که خود را بدون «برنامه مشخص اجتماعی» عرضه می‌کنند (زیرا که قرار نیست اهمیت خاصی داشته باشد) و هیچ گونه مخالفتی نیز با «جهانی شدن» ندارند (زیرا که این هم دارای چندان اهمیتی نیست)، و صد البته، همه آنهاهایی که نسبت به دموکراسی تمایلی ابراز نمی‌کنند (زیرا که دموکراسی یک ایده «غریبی» است) جملگی ارتجاع ناب به حساب می‌آیند، و به تمام و کمال در خدمت اهداف سرمایه مسلط قرار دارند. اتفاقاً، سرمایه مسلط به این امر کاملاً آگاه است، و از رهگذر حمایت از خواسته‌های این گونه جنبشها، از آنها به اشکال گوناگون بهره‌برداری می‌کند. دموکراسی و حقوق مردم، که از قضا امروزه توسط همان نمایندگان سرمایه مسلط سالوسانه خواسته می‌شود، چیزی بیش از ابزاری سیاسی در دست مدیریت نولیبرال بحران جهانی معاصر نیست، که مکمل ابزار اقتصادی‌شان می‌باشد. دموکراسی مورد نظر این جماعت بستگی به شرایط و اوضاع و احوال دارد. همین نکته در مورد «حکومت خوب»، که سخش زیاد بر سر زبانهاست، نیز صدق می‌کند. به علاوه، از آن جا که این (دموکراسی و حقوق مردم) به تمامی در خدمت به اولویتهایی قرار دارد که استراتژی ایالات متحده در صدد تحمیل آن است، از این رو تنها به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گونه است که شاهد اعمال سیستماتیک دو استاندارد هستیم. هیچ اعتراضی در برابر مداخله در افغانستان و یا دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس به نفع دموکراسی نیست، به همان اندازه که اگر دیروز در مقابل موبوتو قرار می‌گرفتیم اعتراضی نبود. اما به نظر می‌رسد که حقوق مردم که در برخی موارد مقدس اعلام می‌شود (امروز در کوزوو، و یا شاید فردا در تبت)، در موارد دیگر کاملاً فراموش می‌شود (فلسطین، کرستان ترکیه، قبرس، صربهای گراژنا که توسط ارتش کرواسی رانده شدند و غیره). حتی نسل کشی دهشتناکی که در رواندا اتفاق افتاد هیچ گونه مسئولیتی را برای دولتی که حامی حکومت‌هایی بودند که علناً آن قتل عام را تدارک می‌دیدند ایجاد نمود. در این تردیدی نیست که رفتار منفور برخی از رژیمها زمینه لازم را برای چنین اقدامهایی فراهم می‌سازد. اما سکوت شراکت‌آمیز در بسیاری موارد دیگر پتّه و راجیهایی بی پایان اندر باب دموکراسی بقیه در صفحه ۱۹

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۱۷ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۳۴ دلار
استرالیا	۵۰ دلار
تک شمارد	۱۱ دلار
فرتاسه	۱۱ یورو

بیکاری و طرح ضربتی اشتغال

بقیه از صفحه ۸
محقق شد. در مقابل رقم مصوب برای هزینه های عمرانی ۲۹۵۳۵/۲ میلیارد ریال بود که از این میزان ۲۷۲۰۲ میلیارد ریال آن محقق شد. همانطور که دیده می شود، جدای از این که هیچ تعادلی بین هزینه های عمرانی و جاری مشاهده نمی شود، بلکه همین میزان تصویب شده نیز در عمل محقق نمی شود. در قبال چنین عملکردی است که روند سرمایه گذاری طی سالهای اخیر روندی نزولی به خود گرفته است. بدین ترتیب با یک چنین خلع سرمایه گذاری، طبعاً زمینه لازم برای بستر سازی جهت ایجاد فرصت های شغلی پایدار نیز از بین خواهد رفت. بسترهایی که زمینه های بالقوه ای آن در بخشهای مختلف نظیر نفت و پتروشیمی و برق و آب و ... وجود دارد.

نکته ای دیگر که اشاره به آن ضروری است، سیاستهای ضدو نقض تجاری است که از جانب کارگزاران رژیم اعمال می شود، که به نوبه ای خود به بحران بیکاری دامن می زند. به این معنی که در ساختار اقتصاد دلالتی حاکم بر ایران، مجوزهای مختلف وارداتی، از سوی وزارت بازرگانی در خصوص واردات محصولات مختلف صادر می شود، که در مقابل محصولات مشابه تولید داخلی به فروش نرفته، در انبارهای کارخانه ها استوک می شوند، و زمینه را برای بسته شدن کارخانه ها و بیکاری هر بیشتر کارگران را فراهم می کنند. از این میان به واردات چای و منسوجات و آهن آلات و ... می توان اشاره کرد.

حاصل کلام این که اگر قرار باشد طرح ضربتی برای ایجاد اشتغال به اجراء در آید، نخست باید آن سیاستهای مورد بازبینی قرار گیرد که، تحت تاثیر اجرای چنین سیاستهایی وضعیت موجود پدید آمده است.

محیط زیست ...

بقیه از صفحه ۹

ماهیها، به مواد نفتی آغشته شده و خاصیت ترشدن آنها در آب از بین می رود. به طوری که در آب غوطه ور می مانند و بر اثر سرما زدگی از پای در می آیند. پزندگانی هم که قادر به خروج می شوند به هنگام تمیز نمودن پرو بال خود، مواد نفتی را فرو خورده، دچار مسمومیت می شوند. یک جنبه مخرب دیگر از آلودگی نفتی دریاها، پوشاندن سنگها، گیاهان و جانداران ساحلی است با لایه ای از نفت. البته، آلودگی نفتی فقط یکی از آلودگیهای «مدرن» اکوسیستمهای آبی کره زمین به شمار می رود. آلودگی زباله های اتمی و دیگر پسابها و مواد زائد صنعتی و فاضلابهای کشتیها و غیره نیز به آن اضافه می شود. مسأله اصلی این بحران جهانی را خیلی خلاصه این طور می توان بیان کرد:

منابع و ذخیره های آب کره زمین محدود و کاهش یابنده اند، در حالی که جمعیت انسانی و درجه مصرف سرانه آب و نیز روند اتلاف و تخریب آب مرتب دارد افزایش می یابد. این یک وضعیت متناقض و در عین حال تهدید کننده است. اکوسیستمهای آبی، یعنی، اقیانوسها، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها، تالابها و سفره های زیرزمینی آب، جملگی تحت الشعاع این تناقض شدت یابنده زیست محیطی قرار دارند. اگر در سطح جهانی سیاستها و راهبردهای زیست محیطی جا نیفتد، اگر در سطح جهانی جهت بازیافت و تصفیه میلیاردها گالن آبهای آلوده شهرها و پاکسازی پسابهای صنعتی و جلوگیری از تخلیه آنها به آبهای جاری و زیرزمینی فکری اساسی نشود و راه حلهای هم اکنون موجود علمی به کار گرفته نشود، خلاصه اگر در اقتصاد و سبک زندگی تمدن شهری راهکارها و طرحهای اکولوژیک در دستور قرار نگیرد و تحولی مثبت در اندیشه و عمل دولتها و ملتها پیدا نشود، باری، عواقب وخیم به هم خوردن تعادل های اکولوژیک در زیستبومهای بزرگ آبی کره ارض، دامن کل بشریت و دیگر موجودات زنده را خواهد گرفت.

امپریالیسم و جهانی شدن

بقیه از صفحه ۱۸

و حقوق مردم را روی آب می ریزد. برای تحقق نیازمندیهای مبارزه برای دموکراسی و حقوق مردم، که بدون آن ذره ای ترقی میسر نیست، نباید از چیزی فروگذار نمود.

خوشبختانه، در این فاز جدید شاهد رشد مبارزات اجتماعی هستیم که زحمتکشان، که قربانیان اصلی این سیستمند، در آن نقش دارند؛ مانند دهقانان بی زمین در برزیل، مزدبگیران و بیکاران دوشادوش هم در بعضی از کشورهای اروپایی، اتحادیه هایی که اکثریت بزرگی از مزدبگیران را در بر می گیرند در جاهایی مانند کره و آفریقای جنوبی. جوانان و دانشجویان در اندونزی که زحمتکشان شهری را نیز به همراه دارند - و این فهرست روزافزون است. این مبارزات اجتماعی راهی جز گسترش ندارند. خصیصه دیگر این جنبشها پلورالیسم است که یکی از ویژگیهای مثبت دوران ماست. تردیدی نیست که ویژگی پلورالیستی این جنبش ره آورد آن چیزی است که «جنبشهای نوین اجتماعی» خوانده می شود -

مانند جنبش زنان، حرکت های زیست محیطی و نهضت های دموکراسی طلب. این جنبشها در مسیر تکاملشان قطعاً باید بر موانع بسیاری که متناسب با زمان و مکان در برابرشان قد علم می کند فایز آیند.

سؤال محوری در این جا این است که سرانجام تنازعات جهانی میان طبقات حاکم - و یا به عبارت دیگر دولتها - که من در این جا سعی نمودم تا اشکال هندسیشان را رسم کنم، چه خواهد بود؟ کدام یک خواهد توانست که حرف نهایی را بزند؟ آیا مبارزات اجتماعی به زیر کشیده شده، و در متن مناقشات جهانی امپریالیستی گرفتار خواهد آمد تا تحت سیطره قدرتهای حاکم درآمده و حتی در جهت منافع آنها حرکت کنند، اگر چه شاید در همه موارد آلت دستشان نباشند؟ یا آن که مبارزات اجتماعی پیروز صحنه نبرد خواهند بود، و قدرتها را در مقابل خواسته هایشان به زانو در خواهند آورد؟

زیرنویس:

توضیح: تمامی پاورقیها با استناد دایره المعارف کلمینا توسط مترجم به متن فارسی اضافه شده است.

۵- Community based

۶- West lindies

۷- Castoriadis

۸- Bandung اشاره به کنفرانس باندانگ در اندونزی است که در سال ۱۹۵۵ و با شرکت ۲۹ کشور آسیایی و آفریقای تشکیل شد و نهایتاً به «جنبش عدم تعهد» انجامید که در سال ۱۹۶۱ و با کوشش یوگوسلاوی، هند و اندونزی تشکیل شد.

کتابهای رسیده:

کنگره بین المللی مارکس

(جلد سوم)

دانشگاه پاریس - سپتامبر ۱۹۹۸



Andeesheh va Peykar Publication

Postfach 600132

60331 Frankfurt - GERMANY

انفجار سبز

کمونیسم در جهان و ایران

نوشته: باقر مومنی

Alfabet Maxima

Print / Forlag

Rinkebytorget 1

16373 Spanga / SWEDEN

Telfax: 46 - 8- 760 03 43

NABARD - E - KHALGH

No : 205 22. June . 2002 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD / Postbus 9458 / 1006 Amsterdam / HOLLAND
NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND
NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koin / GERMANY
NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادای فدایی

تیرماه

رفقا: محمد کاظم غبرایی - بهمن راست خدیو
- محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن ال آقا
- گلرخ شهزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه -
حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان -
نزهت السادات روحی اهنگران - محمود
عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاربزی -
اسماعیل نریمسا - محمدرضا (امیر) قصاب
ازاد - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی -
حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری -
غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی -
فاطمه حسینی - محمدحسین حقنواز - طاهره
خرم - عسگر حسینی ابرده - محمدمهدی
فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر
وزیری - مهدی (بهراد) مسیحا - حمید آریان
- بهزاد امیری دوان - افسر السادات حسینی -
نادره احمدهاشمی - سیمین توکلی - علی
خصوصی - کاظم سلامی - احمد خرم آبادی
- علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی
بیدختی - حجت محسنی کبیر - غلامرضا
جلالی - خسرو مانی - شفیع رضائی -
علی اکبر حیدریان - سینا کارگر، احمد
باختری، ناصر ممی وند طی سالهای ۴۹
تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران
امپریالیسم و ارتجاع و با در زندانهای
دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت
رسیدند.

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

کاهش دادن ظرفیت

پذیرش دختران در

رشته علوم پزشکی

۲۶ خرداد - خبرگزاری ایسنا:
معاون آموزشی وزارت
بهداشت با اشاره به افزایش
امکان ورود مردان در رشته
های علوم پزشکی، اعلام
کرد: طبق مصوبات شورای
آموزش پزشکی، ۵۰ درصد
پذیرش رشته های علوم
پزشکی به مردان اختصاص
یافت. دکتر عبدالله
کریمی، معاون آموزشی وزارت
بهداشت، درمان و آموزش
پزشکی افزود: وزارت
بهداشت به علت بروز برخی
مشکلات، تصمیم گرفته است
که ظرفیت پذیرش زنان را
در رشته های علوم پزشکی
کاهش دهد و تنها ۵۰ درصد
از دختران در رشته پزشکی
عمومی پذیرش خواهند
داشت. وی گفت: هم چنین
در سال جاری ظرفیت
پذیرش رشته های پزشکی
در کل دانشگاه های دولتی و
غیردولتی، حدود ۵ درصد
کاهش یافته است. وی با
اشاره به بالا بودن درصد
دانشجویان دختر در
کشور، گفت: زنان ۷۰ الی ۸۰
درصد ظرفیت دانشگاه های
علوم پزشکی را به خود
اختصاص داده اند که این
مساله باعث بروز پارهای
مشکلات همانند کمبود
خوابگاه برای آنها شده
است. در حالی که ما در
خوابگاه های پسران، با خالی
بودن خوابگاه مواجه هستیم.

۸۰۰ میلیون نفر از گرسنگی و

۲ میلیارد نفر از کمبود غذا

در جهان، رنج می برند

اجلاس جهانی سازمان خوار و بار و
کشاورزی سازمان ملل، دومین
نشست خود را در ۱۰ ژوئن در رم
آغاز کرد.

اجلاس جهانی خوار و بار و کشاورزی
سازمان ملل در اولین اجلاس خود در
سال ۱۹۹۶، متعهد شده بود که شمار
گرسنگان جهان را تا سال ۲۰۱۵ به
نصف کاهش دهد. یعنی در هر سال
۲۲ میلیون نفر را از گرسنگی نجات
دهد. این سازمان در اجلاس سال
۲۰۰۲ خود، اعتراف کرد که در طی این
مدت موفق به کاهش فقط ۶ میلیون
نفر از گرسنگی در سال شده است، و
اگر همین روند پیش رود تا سال ۲۰۲۵
طول خواهد کشید که جمعیت گرسنه
جهان به نصف کاهش پیدا کند.

این اجلاس با عدم استقبال و شرکت
سرن اکثریت کشورهای اروپایی
امریکا قرار گرفت. از کشورهای
اروپایی فقیر اسپانیا و ایتالیا شرکت
داشتند.

بنا به آمار فاو (سازمان جهانی خواربار و
کشاورزی) ۸۰۰ میلیون نفر از غذای
ناکافی در کشورهای در حال توسعه،
۲۷ میلیون در کشورهای اروپای شرقی
و روسیه، ۱۱ میلیون نفر در کشورهای
توسعه یافته رنج می برند.

تظاهراتی در روز ۸ ژوئن در رم از
طرف سازمانهای دفاع از حقوق
کشاورزان و انجمنهای غیر دولتی
برگزار شد. که اقدام به برگزاری یک
اجلاس موازی با اجلاس خوار و بار و
کشاورزی نمود.

در اجلاس سازمانهای غیر دولتی که به
موازات اجلاس سازمان ملل برگزار
شده بود، یکی از علل فقر و گرسنگی
را تجارت آزاد محصولات کشاورزی و
سیاستهای سازمان جهانی تجارت
ارزایی کرد.

محرومیت از آب آشامیدنی

۲۶ خرداد - روزنامه کیهان: تعداد زیادی
از اهالی یک روستای شهرستان میناب
به دلیل استفاده از آب غیربهداشتی و
الوده، دچار بیماریهای پوستی، کلیوی و
اسهال و استفراغ شدند. روستای چراغ
سوز از توابع سندرک شهرستان میناب
با ۱۵۰ خانوار و داشتن ۱۵۰۰ نفر جمعیت
در ۱۵ کیلومتری شرق بخش میناب واقع
شده و از آب بهداشتی سالم بی بهره
است. بروز خشکسالی و افت شدید منابع
آب آشامیدنی، ساکنان روستاهای بخش
سندرک را در معرض مهاجرت ناخواسته
قرار داده است و مردم برای تامین
حداکثر ۲۰ لیتر آب آشامیدنی روزانه
مسیری به طول ۷ کیلومتر را طی می
کنند. قنات روستای دربند با بیش از
۲۰۰ سال قدمت به طور کامل خشک
شده است. چشمه های موجود در
روستاهای اطراف با کاهش ۸۰ درجه
منابع آب روبه رو شده است و مردم
روستاهای دربند، کورت زنی، ارنگو بالا و
تیغ سیاه از توابع بخش سندرک برای
تامین آب موردنیاز خود که آن هم
غیربهداشتی است، باید بیش از ۵ ساعت
در نوبت باشند. شایان ذکر
است، کودکان، زنان مسن و پیرمردان این
روستاها با وضع اسفبار و رقت
آوری، ظرف به دست در انتظار اندکی آب
هستند و تاکنون نیز در این خصوص
اقدام درحور توجهی از سوی مسئولان
امر انجام نگرفته است. از سوی دیگر، آب
مورد استفاده آنها، کاملاً گل الود است و
قورباغه و نیز انواع حشرات در آن یافت
می شود. این عده گفتند: تامین یک
دستگاه تانکر ابرسانی موردنیاز
روستاییان کار مشکلی نیست و
مسئولان می توانند با این وسله جان
روستاییان را از مرگ نجات دهند. کوبی
افرود با ادامه این وضعیت، کلیه
روستاهای بخش سندرک تا پایان تیرماه
امسال از آب آشامیدنی محروم خواهند
شد.